

اینترنت کشور این روزها دچار اختلال نیست بلکه ایران با الگوبرداری از مدل چین و روسیه و با کمک آنها، معماری جدیدی را برای فیلترینگ، نظارت و ردیابی کاربران شبکه‌های اجتماعی جهت کنترل فضای سایبری کشور آغاز کرده است

اولین مطالبه پس از اعتراضات:

برکناری

غلامحسین کرباسچی، صادق زیباکلام، محمد مهجری، محمدرضا جوادی‌یگانه، جلال رشیدی‌کوچی و جواد امام معتقدند که در دوره ریاست **پیمان جبلی** بر سازمان صداوسیما، شکاف میان مردم و حاکمیت بیشتر شده و عموم برنامه‌های آن، تنگ‌نظرانه، ضد انسجام ملی و محدود به یک باند سیاسی است



عاطفه شمس

گروه سیاسی

توهین به جان‌باختگان اعتراضات دی‌ماه در یکی از برنامه‌های شبکه افق، این‌بار به خشم یک طیف یا جریان خاص محدود نماند. حالا از جامعه‌شناسان و سیاستمداران تا اهالی رسانه، هنرمندان و حتی چهره‌های اصولگرا، هم‌صدا خواستار عزل پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما هستند. مطالبه‌ای که بسیاری آن را «حداقلی‌ترین انتظار افکار عمومی» و پاسخی اولیه به زخم‌های انباشته جامعه پس از اعتراضات اخیر می‌دانند؛ پاسخی که می‌تواند نشانه‌ای از عزم اصلاح و بازسازی سرمایه اجتماعی باشد.

جرقه یک خشم عمومی

پخش آئینی توهین‌آمیز در برنامه طنز «خط‌خطی» از شبکه افق که در آن مجری برنامه با ادبیاتی توهین‌آمیز درباره نگهداری پیکر جان‌باختگان حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴ صحبت می‌کرد، واکنش‌های گسترده اجتماعی، رسانه‌ای و سیاسی را به‌دنبال داشت. اگرچه سازمان صداوسیما در واکنشی سریع، مدیر شبکه افق را عزل و بخش برنامه را متوقف کرد اما این اقدام از نگاه افکار عمومی و بسیاری از تحلیلگران، نه کافی بود و نه متناسب با عمق خطا. برای بسیاری، این اتفاق فقط یک «لغزش فردی» نبود بلکه محصول ساختاری است که سال‌هاست میان رسانه ملی و جامعه شکاف انداخته و به‌جای ترمیم بر دو قطبی‌ها دمیده است. این اولین‌بار نیست که صداوسیما با چنین حاشیه‌ای مواجه می‌شود. در سال‌های اخیر از شبکه افق گرفته تا شبکه‌های دیگر، نمونه‌های ریز و درشت دیگری رخ داده که همواره بازتاب رسانه‌ای داشته است. به‌طور مثال در اردیبهشت ماه سال جاری، پخش بخش ضبط شده‌ای از برنامه «سیمای خانواده» از شبکه یک که در آن مطالبی توهین‌آمیز نسبت به عقاید اهل سنت مطرح شد، اعتراضاتی را برانگیخت و از سوی اقشار مختلف مردم و علمای اهل سنت محکوم شد. آن زمان هم کارزاری برای برکناری پیمان جبلی، رئیس صداوسیما، شکل گرفت اما به نتیجه نرسید. مشکل اصلی اما محدود به اشتباهات موردی نیست. طیف جدید مدیران صداوسیما که اغلب بی‌ارتباط با دنیای واقعی هستند، تولید محتوای کم‌ارزش را جایگزین برنامه‌های حرفه‌ای کرده‌اند تا جایی که بیشتر محصولات تلویزیون فاقد جذابیت برای بیننده هستند.

ادامه در صفحه ۲



به‌سوی مذاکره

تصمیم ایران و آمریکا برای مذاکره در ترکیه

یادداشت روز

امید به مذاکره و صلح

ایستگاه اول؛ اتخاذ یک تصمیم سخت



علی بیگدلی

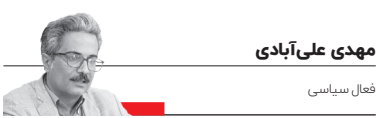
کارشناس مسائل بین‌الملل

سفر سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، به ترکیه و نشست خبری مشترک او با هاکان فیدان را نباید صرفاً یک رویداد دیپلماتیک معمول دانست. آنچه در آنکارا رخ داد بیش از هر چیز نشانه آغاز یک میانجی‌گری جدی و چندلایه بود؛ میانجی‌گری‌ای که به‌نظر می‌رسد تنها به ترکیه محدود نیست و کشورهایی چون مصر و عراق نیز در پس‌زمینه آن نقش‌آفرینی می‌کنند. هرچند عراقچی از ارائه جزئیات درباره چارچوب و سازوکار گفت‌وگوها پرهیز کرد اما نفس ابراز امیدواری رسمی به گفت‌وگو با آمریکا، خود حامل پیامی روشن است: یخ روابط، هرچند ترک‌خورده و شکننده در حال آب شدن است. با این حال ابهامات همچنان پررنگ هستند. هنوز مشخص نیست که گفت‌وگوهای احتمالی مستقیم خواهد بود یا غیرمستقیم و اینکه آیا چهره‌هایی مانند استیو وینکاف، نماینده ویژه ترامپ مستقیماً در این روند حضور خواهند داشت یا نه. اما ورای این جزئیات، یک واقعیت اساسی وجود دارد که دیگر نمی‌توان آن را نادیده گرفت: هیچ مسیر پایداری جز مذاکره مستقیم با واشنگتن پیش روی تهران قرار ندارد. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که میان‌برها، واسطه‌های دور و شعارهای پرطمطراق، نه تحریم‌ها را رفع کرده و نه اقتصاد را از تنگنا بیرون آورده‌اند. در سوی دیگر میز، شروط آمریکا همچنان به‌عنوان نقطه کانونی بحث‌ها مطرح است؛ از توقف یا محدودسازی برنامه هسته‌ای گرفته تا کاهش برد موشک‌ها، تحویل ذخایر اورانیوم و بازنگری در سیاست‌های منطقه‌ای. پرسش اصلی این است که آیا واشنگتن همان بسته شروط قدیمی را دنبال می‌کند یا با توجه به شرایط جدید منطقه‌ای و بین‌المللی با دستورکاری منعطف‌تر وارد مذاکره خواهد شد. با این همه اهمیت ماجرا نه در فهرست مطالبات بلکه در این نکته نهفته است که تهران و واشنگتن، دست‌کم در سطحی اولیه، گام‌هایی مثبت به سمت گفت‌وگو برداشته‌اند؛ گام‌هایی که اگر به تعلل و تردید کشیده شود به‌سرعت می‌تواند معکوس گردد. اما در شرایط فعلی به‌نظر می‌رسد که فضای مذاکره و صلح بر جنگ و درگیری برتری یافته است. نکته کلیدی دیگر، آرایش سنگین نظامی ایالات متحده در منطقه است. چنین نمایش قدرتی نمی‌تواند بدون دستاورد سیاسی پایان یابد؛ به‌ویژه آنکه این اقدام هم از حمایت کنگره برخوردار است و هم در فضای بین‌المللی توجیه‌پذیر جلوه داده شده. پرسش اینجاست که این دستاورد قرار است در چه قالبی تعریف شود: توافقی محدود، امتیازاتی نمادین یا گشایشی واقعی در پرونده تحریم‌ها. برای ایران، پاسخ این پرسش حیاتی است؛ چراکه بدون کاهش ملموس فشار اقتصادی امکان ترمیم شکاف‌های اجتماعی و ایجاد حداقل ثبات داخلی وجود نخواهد داشت. در چنین شرایطی، ضروری است که در داخل نیز با واقع‌بینی بیشتری به صحنه نگاه شود. اصرار بر آرزوهای غیرواقع‌بینانه و تکرار استراتژی‌هایی که کارآمدی خود را از دست داده‌اند، تنها هزینه تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد. پیام غالب امروز نه جنگ و تقابل بلکه مذاکره و مدیریت بحران است. این به‌معنای چشم‌پوشی کامل از خطوط قرمز نیست بلکه به‌معنای بازتعریف هوشمندانه آنهاست. پیشنهاد حفظ غنی‌سازی در سطح ۳.۶۷ درصد، مطابق برجام ۲۰۱۵ می‌تواند نمونه‌ای از همین رویکرد میانه‌رو باشد؛ راه‌حلی که هم سرمایه‌گذاری‌های انجام شده را توجیه می‌کند و هم امکان پاسخ‌گویی به افکار عمومی را فراهم می‌آورد. در مقابل، کاهش برد موشک‌ها یا بازنگری در برخی سیاست‌های منطقه‌ای می‌تواند بخشی از بسته اعتمادساز برای طرف مقابل باشد. واقعیت این است که اقتصاد ایران بدون رفع تحریم‌ها توان احیا ندارد و چین و روسیه نیز برخلاف برخی تصورات، قادر به جبران این خلأ نیستند. در نهایت آنچه بیش از همه اهمیت دارد، آمادگی ذهنی و راهبردی تصمیم‌گیران برای عبور از گذشته و ورود به مرحله‌ای تازه است. استراتژی قدیمی دیگر پاسخگو نیست و نشانه‌های این ناکارآمدی آشکار شده است. اگر قرار است، مذاکره‌ای شکل بگیرد باید با درک واقعیت‌های امروز، نه با توهمات دیروز، به استقبال آن رفت. تنها در این صورت است که دیپلماسی می‌تواند از یک مانور موقت به فرصتی واقعی برای تغییر مسیر تبدیل شود.

دیدگاه: یادداشت سیاسی

تعليق امر سياسي

از تهديد خارجي تا فروپاشي مرجعيت دروني



در هفته‌های اخیر، تشدید تهدیدهای نظامی آمریکا علیه ایران، بار دیگر فضای عمومی کشور را در وضعیتی تعلیق‌شده قرار داده است. اما خطای تحلیلی آنجاست که این وضعیت را صرفاً محصول فشار خارجی بدانیم. آنچه امروز با آن مواجهیم بیش از آنکه نتیجه تهدید بیرونی باشد، برآیند یک فرآیند درونی و انباشته است: فرسایش سیاست، زوال نمایندگی و فروپاشی مرجعیت داخلی.

امر سیاسی زمانی تعلیق می‌شود که جامعه، امکان گفت‌وگو درباره آینده را از دست بدهد. امروز، نه فقط چشم‌انداز روشنی از فردا وجود ندارد بلکه حتی امکان منازعه عقلانی درباره مسیرهای ممکن نیز محدود شده است. سیاست به مدیریت روزمره بحران‌ها تقلیل یافته و کنشگران رسمی یا در سکوت فرو رفته‌اند یا از ترس هزینه‌ها از بروز دیدگاه‌های خود پرهیز می‌کنند. نتیجه خلأیی است که در سیاست، هرگز خالی نمی‌ماند.

ایسن خلأ را باید در بستری یک بحران عمیق‌تر فهم کرد: بحران نمایندگی. جامعه ایران، به‌ویژه قشر متوسط فرهنگی که بخش قابل‌توجهی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهد، دیگر خود را در آینه نهادهای سیاسی داخلی باز نمی‌یابد. این جامعه نه‌الزماً رادیکال است و نه لزوماً برانداز؛ بلکه جامعه‌ای است که در دهه‌های اخیر نشانه‌هایی از مدرنیسم، عقلانیت ابزاری، فردیت و انتظارات لیبرال را در سبک زندگی و افق ذهنی خود پرورش داده است. اما همین جامعه، امروز با فقدان سخنگو مواجه است. احزاب، نهادهای میانی و چهره‌های سیاسی قادر به نمایندگی مطالبات آن نیستند یا اجازه چنین نقشی را ندارند. در چنین شرایطی، جامعه وارد مرحله‌ای می‌شود که نظریه‌پردازان سیاست از آن به‌عنوان «بحران مشروعیت و نمایندگی همزمان» یاد می‌کنند: وضعیتی که در آن، نه ساختار سیاسی اعتبار دارد و نه بدیل‌های داخلی قابل اتکا هستند.

پیش‌تر، مرجعیت رسانه‌ای جامعه تا حد زیادی به خارج از مرزها منتقل شده بود. ایسن امر، هرچند نگران‌کننده اما هنوز قابل مدیریت بود. امروز اما نشانه‌های خطرناک‌تری دیده می‌شود: جست‌وجوی مرجعیت سیاسی در خارج. رسانه‌های برون‌مرزی و اپوزیسیون پراکنده خارجی نه به دلیل انسجام، برنامه یا عمق نظری بلکه به‌سبب خلأ مرجعیت داخلی برجسته می‌شوند. پروپاگاندا دقیقاً در چنین فضاهایی اثرگذار است؛ نه از راه اقناع عقلانی بلکه از مسیر اشغال خلأ. برخلاف برخی روایت‌ها، مسئله اصلی نه «قدرت رسانه‌های خارجی» است و نه «تهدید نظامی آمریکا». تحلیل‌های اندیشکده‌ها و مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که فشار خارجی معمولاً زمانی کارگر می‌افتد که ساخت درونی سیاست از پیش فرسوده شده باشد. جامعه‌ای که نمایندگی دارد حتی زیر شدیدترین فشارها نیز انسجام خود را حفظ می‌کند؛ اما جامعه‌ای که سیاست در آن تعلیق شده به‌سرعت دچار واگرایی می‌شود. تعلیق امر سیاسی در ایران بیش از هر چیز، محصول تضعیف نهادهای میانی، محدود شدن رسانه‌های داخلی و تقلیل سیاست به «دشمن‌شناسی» به جای «آینده‌سازی» است. در چنین چارچوبی، سیاست‌ورزی نه به‌عنوان حل مسئله بلکه به‌مثابه مدیریت تهدید تعریف می‌شود. این رویکرد شاید در کوتاه‌مدت کارآمد به‌نظر برسد اما در بلندمدت، جامعه را از درون تهی می‌کند.

اگر مرجعیت سیاسی به داخل بازنگردد، مسئله صرفاً تاریک شدن آینده نیست؛ بلکه ازهم‌گسیختگی تدریجی پیوند دولت و جامعه است. بازگشت مرجعیت اما با شعار و کنترل رسانه‌ای ممکن نیست. این بازگشت نیازمند احیای سیاست است: گشودن میدان گفت‌وگو، پذیرش تکثر، تقویت نهادهای نمایندگی و بازتعریف رابطه قدرت با جامعه. تجربه تاریخی نشان داده است که جوامع نه با تهدید خارجی فرو می‌پاشند و نه با فشار رسانه‌ای؛ بلکه زمانی از هم می‌گسلند که دیگر نتوانند درباره آینده خود حرف بزنند. تعلیق امر سیاسی دقیقاً همین نقطه خطرناک است. امروز، مسئله اصلی ایران، جنگ یا صلح نیست؛ مسئله این است که آیا سیاست، پیش از آنکه خیلی دیر شود به صحنه بازمی‌گردد یا نه.

پیشینه

ادامه تیتیر یک

برکناری

در همین رابطه، صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی در گفت‌وگو با سازندگی با انتقاد تند از عملکرد صداوسیما، توهین صورت‌گرفته در شبکه افق را نه یک خطای لفظی بلکه نشانه‌ای از گسست عمیق این رسانه از جامعه دانست و گفت: «آنچه در شبکه افق رخ داد حتی شایسته نام «توهین» هم نیست. در شرایطی که خانواده‌هایی هنوز پیکر عزیزان‌شان را پیدا نکرده‌اند، چنین رفتاری با جان‌باختگان، رفتاری است که به‌سختی می‌توان برای آن واژه‌ای انسانی پیدا کرد». او با اشاره به تجربه تدریس ارتباطات و جامعه‌شناسی رسانه در دانشگاه تأکید کرد که صداوسیمای جمهوری اسلامی اساساً کارکرد رسانه‌ای ندارد و بیشتر شبیه یک بلندگوی ایدئولوژیک و دستگاه روابط عمومی حاکمیت عمل می‌کند: «اگر اخبار رادیو و تلویزیون را فقط یک هفته رصد کنید به‌وضوح می‌بینید که هیچ خبری پخش نمی‌شود که با جهان‌بینی و باورهای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی مغایرت داشته باشد؛ چه در اخبار داخلی و چه در اخبار خارجی». به گفته او، روایت صداوسیما از جهان، روایتی کاملاً یک‌سویه است؛ روایتی که در آن هیچ‌گاه خبری مثبت از کشورهایی که «دشمن» تلقی می‌شوند، دیده نمی‌شود و هیچ انتقادی متوجه سیاست‌های رسمی نظام نیست.

زیباکلام، این وضعیت را در تضاد کامل با رسانه‌های معتبر بین‌المللی مانند بی‌بی‌سی یا الجزیره دانست که به گفته او حتی سیاست‌های دولت‌های متبوع خود را نیز به نقد می‌کشند. او با اشاره به پیامدهای این رویکرد افزود: «بعد از ۴۶ سال و با وجود بودجه‌های هزاران میلیاردی، مردم ایران برای فهمیدن واقعیت‌ها به رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی رجوع می‌کنند؛ حتی بسیاری از حامیان جمهوری اسلامی هم برای اطلاع از اخبار واقعی، یواشکی بی‌بی‌سی فارسی یا ایران اینترنشنال را دنبال می‌کنند».

این استاد دانشگاه سپس به نقش مدیریت فعلی صداوسیما پرداخت و تصریح کرد: «در دوره مدیریت پیمان جبلی، شکاف میان جامعه و صداوسیما عیان‌تر از همیشه شده است. برخلاف دوره‌هایی که هنوز روزنه‌هایی برای گفت‌وگو و برنامه‌های زنده و چالشی وجود داشت امروز صداوسیما به تریبونی کاملاً بسته، تنگ‌نظرانه و محدود تبدیل شده است». او با یادآوری برنامه‌های زنده و مناظره‌محور سال‌های گذشته گفت که حذف کامل این فضاها، نتیجه رویکردی است که تنها به یک طیف محدود اجازه حضور می‌دهد و حتی صدای جریان‌های میانه‌رو را نیز تاب نمی‌آورد. زیباکلام در جمع‌بندی تأکید کرد: «من معتقدم بزرگ‌ترین ستون پنجم رسانه‌هایی مثل ایران اینترنشنال، نه توانایی آنها بلکه بی‌کفایتی مدیریت صداوسیماست. اگر مدیریت رسانه ملی حتی اندکی کارآمد و حرفه‌ای بود این رسانه‌ها نمی‌توانستند چنین نفوذی در جامعه ایران پیدا کنند». او در پایان خاطر‌نشان کرد: «ایران اینترنشنال بیش از آنکه از لیاقت خود تغذیه کند از بی‌کفایتی مدیریت صداوسیما و شخص پیمان جبلی نان می‌خورد؛ و تا زمانی که این مدیریت تغییر نکند، این روند ادامه خواهد داشت».

محمد مهاجری، فعال رسانه‌ای اصولگرا نیز در گفت‌وگو با

سیاست

بررسی رویدادهای سیاسی

سازندگی درباره این اتفاق و مطالبه عزل رئیس صداوسیما گفت: «من به‌عنوان یک روزنامه‌نگار و فرد رسانه‌ای، ایشان را حتی در حد یک روزنامه‌نگار یا خبرنگار درجه سه هم نمی‌دانم و حاضر نیستم با او همکاری کنم. به نظر من، رئیس صداوسیما نه ابتدایی‌ترین اصول حرفه‌ای رسانه را می‌شناسد و نه به حداقل‌های اخلاق رسانه‌ای پایبند است؛ به همین دلیل اساساً فاقد صلاحیت حرفه‌ای است. از سوی دیگر، مسئله فقط به یک فرد یا حتی مدیریت یک شبکه محدود نمی‌شود. مدیریت صداوسیما الان به این شکل است که هر کس زودتر از خواب بیدار شود و در اتاق را باز کند، رئیس صداوسیماست». او معتقد است: «با تغییر یک مدیر شبکه، مشکل حل نخواهد شد چراکه ممکن است فردا همان اتفاق یا مشابه آن دوباره تکرار شود» و می‌گوید: «به اعتقاد من، ریشه مسئله جای دیگری است و باید از سطح اصلی حل شود. مشکل اساسی، تفکر حاکم بر صداوسیماست؛ تفکری که اگر تغییر نکند، جابه‌جایی افراد تأثیر معناداری نخواهد داشت».

واکنش‌ها؛ از چهره‌ها تا رسانه‌ها

پس از این اتفاق، واکنش‌هایی نیز در میان چهره‌های سیاسی و اجتماعی و رسانه‌ها از جریان‌های مختلف فکری شکل گرفت. یکی از نخستین واکنش‌ها از سوی محمدرضا جوادی‌پاگانه، جامعه‌شناس و رئیس سابق مرکز ارتباطات مردمی ریاست‌جمهوری مطرح شد که در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «در جامعه‌ای که همه چیز دوقطبی شده، نارضایتی از عملکرد صداوسیما از معدود اموری است که همه بر آن اتفاق دارند؛ انسان و خوشش در آن حرمت ندارد. برکناری فوری رئیس صداوسیما و اخراج او از هیأت دولت بر سرمایه اجتماعی نظام می‌افزاید. تغییر رویه صداوسیما نماد و نشانه عزم اصلاح در نظام است». این اظهارنظر عملاً بحث را از سطح یک خطای رسانه‌ای به سطح پیوند میان رسانه، اعتماد عمومی و امنیت اجتماعی ارتقا داد.

غلامحسین کرباسچی، فعال سیاسی و مدیرمسئول روزنامه هم‌میهن هم با لحنی تند به ماجرا واکنش نشان داد و گفت: «رویکرد صداوسیما نه از سر لبرجازی بلکه ناشی از جهالت است. یک مشت آدم جاهل و متعصب که مردم را درک نمی‌کنند، نشسته‌اند و برنامه می‌سازند». او افزود: «خروجی صداوسیما برای مردم چیزی جز خشم و ناراحتی نیست. من شخصاً تحمل دیدن این رسانه را ندارم». کرباسچی، صداوسیمای فعلی را حتی نماینده حاکمیت هم ندانست و تأکید کرد که این رویکرد، نه با منطق اجتماعی سازگار است و نه با مصلحت سیاسی.

جلال رشیدی‌کوچی، نماینده مجلس یازدهم هم صراحتاً اعلام کرد که برکناری یک مدیر میانی یا توقف یک برنامه، پاسخگوی تبعات اجتماعی این اتفاق نیست. او گفت: «ما در شرایطی هستیم که جامعه داغدار است و کشور وضعیت امنیتی حساسی را پشت سر گذاشته. در چنین فضایی، یک خطای رسانه‌ای می‌تواند، اثرات منفی بزرگی بر انسجام اجتماعی بگذارد». رشیدی‌کوچی با رد روایت «خطای

انسانی» تأکید کرد: «این یک خطای بزرگ و برنامه‌ریزی‌شده بود. تفکری خطرناک در بخش‌هایی از صداوسیما حاکم شده که نه‌تنها فضا را آرام نمی‌کند بلکه بر التهاب نیز می‌افزاید».

جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات نیز طی اظهاراتی خواستار عزل فوری رئیس صداوسیما شد. او تأکید کرد: «یکی از مأموریت‌های صداوسیما دوقطبی‌سازی است. این سازمان واجد صفت ملی نیست و رفتارهایش نشان داده که جامعه را مقابل هم قرار می‌دهد». امام افزود: «نمک پاشیدن بر زخم خانواده‌های داغدار، آن هم از تریبون رسمی، مصداق روشن بی‌اعتنایی به مطالبات جامعه است. اخراج مجری یا جابه‌جایی مدیر شبکه، پاک کردن صورت مسئله است».

از درون جریان اصولگرا هم انتقادهایی مطرح شد. علی قلهکی، فعال رسانه‌ای اصولگرا در رشته تئوتنی نوشت که صداوسیما در روزهای اخیر بارها با گزارش‌های نادرست، جامعه را تحریک کرده است. او با اشاره به تمسخر جان‌باختگان نوشت: «امروز صداوسیما در حال آتش زدن دل پدر و مادر کشته‌های اخیر است. دقیقاً چه اتفاقی باید بیفتد که مسئولان تصمیم به تغییر بگیرند؟ می‌خواهیم مجدداً ملت را کف خیابان ببینیم؟»

واکنش رسانه‌ها نیز قابل توجه بود. روزنامه قدس به‌عنوان یک رسانه اصولگرا، با لحنی کم‌سابقه نوشت: «شرم باد بر کسی که ایرانی باشد و هموطنان درگذشته خود را به سخره بگیرد؛ کفتارها و گرگ‌ها هم از این دست رفتارها بر همنوع خود روا نمی‌دارند». قدس تأکید کرد که عزل مدیر شبکه، اگرچه اقدامی درست بود اما «دریغا بر آنچه رسانه ملی است و نباید در آن چنین اشتباهات نابخشودنی رخ دهد». روزنامه آرمان ملی هم نوشت که صداوسیما به جای انسجام بر دوقطبی‌ها افزوده و عملاً بخش بزرگی از جامعه را از خود رانده است. این روزنامه تأکید کرد که اکنون زمان تغییر رویکردی جدی در رأس سازمان است، نه صرفاً برخوردهای مقطعی.

کمپین عزل؛ مطالبه‌ای فراتر از جناح‌ها

در فضای مجازی نیز رضا رشیدپور، مجری پیشین صداوسیما، با انتشار یک استوری اینستاگرامی، کمپین عزل رئیس سازمان را کلید زد و نوشت: «عزل پیمان جبلی یک مطالبه حداقلی است». برخی چهره‌های هنری نیز در ادامه با اعلام نظر خود در فضای مجازی خواستار برکناری رئیس صداوسیما شدند. سیایت خبری فراز هم نوشت: «آنچه در شبکه افق رخ داد، مشت‌ی از خروار سوءمدیریت در سازمانی با بودجه بیش از ۳۳ هزار میلیارد تومان است؛ مشکلی که جز با تغییر در رأس هرم رسانه ملی حل نمی‌شود».

اگرچه قوه قضائیه روز گذشته از اعلام جرم علیه مدیر وقت شبکه افق، عوامل و مجری برنامه خبر داد و اعلام کرد که پرونده قضایی تشکیل شده و بررسی اغراض احتمالی پشت پرده در دستورکار است. با این حال، پرسش اصلی افکار عمومی همچنان این است که آیا مسئولیت این زنجیره خطا صرفاً برعهده مجری و مدیر یک شبکه است یا باید در سطح بالاتری پاسخ داده شود؟ آنچه امروز شکل گرفته، یک مطالبه ملی برای بازنگری در نقش، مأموریت و مدیریت رسانه‌ای است که نام «ملی» را پدک می‌کشد. بر همین اساس بسیاری معتقدند، عزل رئیس صداوسیما نخستین گام برای ترمیم شکاف عمیق میان رسانه و جامعه خواهد بود. گامی که اگر برداشته نشود، ممکن است هزینه‌های اجتماعی و سیاسی سنگین‌تری در پی داشته باشد.

هشدار درباره سرمایه اجتماعی

پیشنهاد جهانبخش خانجانی برای عبور از مشکلات: کابینه‌ای کوچک با فرماندهی رهبری تشکیل شود

پیشنهاد کابینه کوچک به فرماندهی رهبری

خانجانی برای عبور از شرایط بحرانی موجود، پیشنهادی مشخص مطرح می‌کند و می‌گوید: «سرنان قوا باید یک کابینه کوچک‌تر به فرماندهی رهبری تشکیل دهند». او معتقد است در شرایط فعلی، فرماندهی اقتصادی و حکمرانی باید متمرکز شود و نهادهای موازی از پشت‌پرده به جلوی صحنه بیایند. خانجانی صداوسیما را رسانه‌ای در اختیار «یک جریان سیاسی خاص» می‌داند و معتقد است نبود هم‌صدایی رسانه‌ای به سردرگمی جامعه دامن زده است. او در حوزه سیاست خارجی نیز تأکید می‌کند که سیاست عرصه صفر و صد نیست و کشور ناگزیر از تعامل فعال و عقلانی با جهان است. عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی در بخشی دیگر از سخنان خود می‌گوید: «مشکل اینجاست که برخی جرأت ندارند واقعیت را به رهبری بگویند و گزارش‌های نادرست می‌دهند». به باور او، اگر تحلیل‌های کارشناسی صادقانه و دقیق منتقل شود، امکان تصمیم‌گیری عقلانی در سطوح عالی وجود خواهد داشت. خانجانی در پایان با خطاب قرار دادن دولت‌پزشکیان تأکید می‌کند که «این مردم بودند که شما را به پیروزی رساندند» و هشدار می‌دهد اگر سرمایه اجتماعی تضعیف شود، یکپارچگی کشور نیز آسیب خواهد دید. به‌گفته او، تنها راه عبور از شرایط کنونی، افزایش کارآمدی، صداقت در حکمرانی و بازگشت واقعی به خواست و مطالبات مردم است.

چراغ سبز ماچادو به ترامپ

کاراکاس در انتظار یک انتخابات مهم

ماریا کورینا ماچادو، رهبر اپوزیسیون ونزوئلا و برنده جایزه صلح نوبل، شامگاه یک‌شنبه در برنامه «فیس د نیشن» تلویزیون سی‌بی‌اس نیوز با صراحت اعلام کرد که نیکولاس مادورو از رقابت با او می‌ترسید و افزود که در زمان مناسب، او رئیس‌جمهور ونزوئلا خواهد شد، هرچند این موضوع باید از طریق آرای مردم کشور تعیین شود. ماچادو با اشاره به ادموندو گونزالس اوروتیا، نامزد اپوزیسیون در انتخابات ۲۰۲۴ ونزوئلا، توضیح داد که مادورو با جلوگیری از حضور او در انتخابات، رقیبی قابل توجه نمی‌دید اما حمایت گسترده مردم در کمتر از سه ماه نشان داد که این رقابت فراتر از یک چالش سیاسی ساده است و به مسئله آزادی و خواست عمومی تبدیل شده است.

با این حال، وضعیت در صحنه بین‌المللی پیچیده‌تر از آن است که ماچادو تصور می‌کند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، علناً اعلام کرده که از او به‌عنوان رئیس‌جمهور آینده ونزوئلا حمایت نخواهد کرد و دلیل آن را عدم برخورداری او از حمایت کافی دانسته است. در حال حاضر، دلسی رودریگز، معاون سابق مادورو، به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت کشور فعالیت می‌کند و تلاش می‌کند با اتخاذ سیاستی متوازن،

هم روابط با واشنگتن را مدیریت کند و هم جایگاه خود را در صحنه داخلی تثبیت کند. ماچادو در مصاحبه خود گفت که با رودریگز در تماس نیست اما امیدوار است، مذاکرات او با دولت آمریکا بتواند به پیشرفت اوضاع کمک کند.

اظهارات ماچادو فراتر از مرزهای ونزوئلا نیز بود و او مدعی شد که موفقیت اپوزیسیون در این کشور، تأثیراتی گسترده بر کشورهای دیگر ازجمله کوبا، نیکاراگوئه و حتی ایران خواهد داشت. او همچنین روسیه، چین، ایران و کوبا را متهم کرد که با همکاری با گروه‌های افراطی مانند حزب‌الله و حماس، شبکه‌ای جنایتکارانه ایجاد کرده‌اند که تهدیدی برای غرب محسوب می‌شود. این دیدگاه‌های مداخله‌جویانه با واکنش‌های متفاوت بین‌المللی مواجه شده و بر پیچیدگی تحولات ونزوئلا افزوده است.

در همین حال، کریس رایت، وزیر انرژی آمریکا، به مدیران برخی شرکت‌ها اطلاع داده است که انتخابات در ونزوئلا ظرف ۱۸ تا ۲۴ ماه آینده برگزار خواهد شد. برخی اعضای دولت ترامپ تلاش کرده‌اند به قانون‌گذاران و بازرگانان اطمینان دهند که همکاری واشنگتن با دولت موقت ونزوئلا موقتی است و هدف نهایی دستیابی به «ونزوئلاي دموکراتیک» از طریق

دیپلماسی

به سوی مذاکره

ایران و آمریکا تصمیم گرفتند مذاکرات را آغاز کنند

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

در روزهای اخیر و همزمان با انتشار خبرهایی درباره تلاش‌ها برای از سرگیری مذاکرات هسته‌ای، فضای کلی روابط ایران و ایالات متحده، نشانه‌هایی از تعدیل و کاهش نسبی تنش را بروز داده است. این تغییر فضا، هرچند محدود و شکننده به‌نظر می‌رسد اما در قیاس با هفته‌های گذشته که تهدیدهای آشکار نظامی، جنگ روانی و آرایش سنگین نیروهای آمریکایی در منطقه بر معادلات حاکم بود، واجد اهمیت تحلیلی است. به‌ویژه آنکه این تعدیل نه به‌صورت رسمی بلکه از خلال مجموعه‌ای از اظهارنظرها، تحرکات دیپلماتیک و سیگنال‌های غیرمستقیم دو طرف قابل ردیابی است.

در همین چارچوب اساماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران، با اشاره به بررسی گزینه‌های دیپلماتیک اعلام کرد که تصمیم‌گیری درباره جزئیات هر روند احتمالی در دستورکار قرار دارد و امید می‌رود طی روزهای آینده درباره نحوه انجام کار به جمع‌بندی نهایی برسند. این اظهارات اگرچه محتاطانه و فاقد جزئیات است اما نشان می‌دهد که مسیر دیپلماسی در سطح طراحی و ارزیابی فعال شده و تهران دست‌کم در مقطع کنونی، گزینه مذاکره را از دستورکار خارج نکرده است.

همزمان با این موضع‌گیری در تهران، از واشنگتن نیز سیگنال‌هایی مخابره شد که به تلطیف فضای کلی کمک کرد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، روز یک‌شنبه ۱۲ بهمن در واکنش به سخنان رهبر انقلاب، ابراز امیدواری کرد که آمریکا و ایران بتوانند به توافقی درباره برنامه هسته‌ای دست یابند. این سخن اگرچه در چارچوب ادبیات متغیر و تاکتیکی ترامپ بیان شد اما در کنار سایر نشانه‌ها، این برداشت را تقویت کرد که کاخ سفید نیز در شرایط فعلی، راه گفت‌وگو را به‌طور کامل مسدود نمی‌بیند و همچنان آن را به‌عنوان یکی از گزینه‌های ممکن حفظ کرده است.

در داخل ایران، انتشار و بعد حذف خبری از سوی دو خبرگزاری تسنیم و فارس مبنی بر صدور دستور آغاز مذاکرات هسته‌ای با آمریکا از سوی مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، لایه دیگری از پیچیدگی فضای تصمیم‌گیری را آشکار کرد. هرچند این خبر به‌سرعت از خروجی این رسانه‌ها حذف شد اما همین فرآیند انتشار و عقب‌نشینی، خود به‌عنوان نشانه‌ای از حساسیت بالای موضوع و مدیریت دقیق پیام‌ها قابل تحلیل است؛ مدیریتی که تلاش دارد میان ارسال سیگنال مثبت به خارج و کنترل فضای داخلی توازن برقرار کند.

در مقابل این تحرکات محتاطانه، بازیگران مخالف هرگونه توافق نیز فعال شده‌اند. شبکه ۱۲ تلویزیون اسرائیل به نقل از منابعی

انتخابات آزاد و عادلانه است، فرآیندی که به گفته مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، نه چند هفته بلکه ممکن است سال‌ها طول بکشد.

در همین راستا، لورا دوگو، کاردار آمریکا در ونزوئلا، وارد کاراکاس شد تا پس از ۷ سال قطع روابط دیپلماتیک میان دو کشور، سفارت آمریکا در این کشور را بازگشایی کند. این تحولات نشان‌دهنده ورود ونزوئلا به مرحله‌ای تازه از بحران سیاسی است، مرحله‌ای که در آن دولت موقت با ترکیبی از امتیازدهی اقتصادی به آمریکا و به تأخیر انداختن اصلاحات جدی حقوق بشری و دموکراتیک، تلاش دارد از حمایت ضمنی واشنگتن بهره‌مند شود و در عین حال از تغییرات

اخیر، تلاش‌های دیپلماتیکی برای نزدیک کردن مواضع تهران و واشنگتن انجام داده‌اند.

در همین راستا، روزنامه «الآخبار» از گفت‌وگوی اخیر عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، با مسعود پزشکیان خبر داد؛ گفت‌وگویی که محور آن تحولات سریع منطقه، افزایش تنش‌ها و ضرورت بازگرداندن ایران و آمریکا به مسیر مذاکره بوده است. بر اساس این گزارش، قاهره با تکیه بر کانال‌های ارتباطی دیپلماتیک و اطلاعاتی که طی ماه‌های گذشته فعال شده در حال همکاری با چند کشور دیگر برای تدوین یک «پیشنهاد مذاکراتی جدید» است؛ پیشنهادی که کشورهایی مانند ترکیه و عربستان نیز در شکل‌دهی به آن نقش دارند تا چارچوبی قابل پذیرش برای آمریکا فراهم شود. این گزارش همچنین مدعی است که دستیابی به توافق میان تهران و واشنگتن «بسیار نزدیک» شده و حتی جدول زمانی و بندهای مشخصی برای آن در نظر گرفته شده است. حمایت برخی کشورهای اروپایی از این روند و احتمال برگزاری نشست‌های سطح بالا در روزهای آینده برای نهایی‌سازی متن توافق به این تصویر خوش‌بینانه دامن زده است. با این حال همزمان شایعاتی درباره انتقال اورانیوم غنی شده ایران به خارج از کشور مطرح که بلافاصله با واکنش رسمی تهران مواجه شد. در این زمینه، اساماعیل بقایی تأکید کرد که بحث انتقال مواد غنی شده تنها می‌تواند در چارچوب مذاکرات و نه پیش از آن مطرح شود. ایران بارها اعلام کرده که حق غنی‌سازی اورانیوم، خط قرمز آن در هر توافقی است و علی‌باقری‌کنی نیز صراحتاً گفته است که اساساً مذاکرات حول انتقال مواد غنی‌شده به کشور ثالث شکل نگرفته است. اظهارات دمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین، درباره آمادگی روسیه برای ارائه خدمات انتقال اورانیوم مازاد، اگرچه بُعد تازه‌ای به بحث‌ها افزود اما تغییری در موضع اعلامی تهران ایجاد نکرد.

در سطح راهبردی، سیدعباس عراقچی در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس هشدار داد که ایران و آمریکا در مقطعی سرنوشت‌ساز قرار دارند؛ مقطعی که می‌تواند به توافقی عادلانه و سریع منجر شود یا در صورت اشتباه محاسبه، زمینه‌ساز سناریوهای پر هزینه‌تر گردد. با این حال، رفتارهای متناقض ترامپ، از جمله بازنشر مقاله‌ای در تروث‌سوشال که مذاکره با ایران را نوعی فریب پیش از حمله توصیف می‌کند، همچنان بر فضای بی‌اعتمادی سایه انداخته است.

در همین چارچوب، نیویورک تایمز با مقایسه ایران و ونزوئلا هشدار داده است که نادیده گرفتن تفاوت‌های بنیادین این دو پرونده می‌تواند، آمریکا را با مخاطراتی به‌مراتب سنگین‌تر روبه‌رو کند. به‌زعم این روزنامه، وزن راهبردی ایران و توان این کشور برای تحمیل هزینه در هرگونه رویارویی، تهران را به بازیگری بسیار پیچیده‌تر و خطرناک‌تر تبدیل کرده است؛ واقعیتی که هر تصمیمی درباره مذاکره یا تقابل را به انتخابی سرنوشت‌ساز برای واشنگتن بدل می‌کند.



اساسی جلوگیری کند.

تحلیلگران معتقدند، سیاست‌های کنونی ونزوئلا شامل گشودن صنعت نفت به روی سرمایه‌گذاران آمریکایی و آغاز گفت‌وگوهای اقتصادی، می‌تواند به تثبیت اقتدار سیاسی دولت موقت منجر شود اما اینکه این سیاست‌ها به گذار واقعی به دموکراسی بینجامد یا صرفاً نوعی اقتدارگرایی جدید را تحکیم کند، پرسشی است که پاسخ آن تنها در ماه‌ها و سال‌های آینده روشن خواهد شد. آنچه در حال حاضر واضح است، پیچیدگی محیط سیاسی داخلی و بین‌المللی ونزوئلاست و اینکه تغییرات واقعی، نه‌تنها به اراده یک فرد بلکه به تعاملات داخلی و خارجی و واکنش‌های بین‌المللی وابسته است.

خاورمیانه

بمباران سنگین به لبنان

اسرائیل به دو منطقه حمله کرد

اسرائیل در ادامه سیاست اشغالگری و نقض مکرر آتش‌بس، دیروز مناطق «انصاریه» و «القلیله» در جنوب لبنان را هدف حملات هوایی خود قرار داد. براساس اعلام وزارت بهداشت لبنان، این تجاوزات تاکنون یک کشته و ۸ مجروح بر جای گذاشته است. پیش‌تر اسرائیل در سلسله حملاتی با پهپاد، بخش‌های دیگری از جنوب لبنان را مورد هدف قرار داد. تحلیلگران و مقامات لبنانی هشدار می‌دهند که طی ماه‌های اخیر، پرواز و عملیات پهپادهای اسرائیلی در این مناطق، افزایش چشمگیری یافته و نگرانی‌ها درباره تشدید تنش‌ها در مرزهای جنوبی کشور را دوچندان کرده است. این حملات ادامه روندی است که بیش از یک سال پس از توافقی که قرار بود، جنگ اسرائیل علیه لبنان را متوقف کند همچنان ادامه دارد. واقعیت میدانی اما نشان می‌دهد که این توافق هیچ‌گاه مانع از نقض‌های روزانه رژیم صهیونیستی علیه تمامیت ارضی لبنان شده است. اسرائیل با حمایت آمریکا و فشار بر دولت لبنان همچنان درصدد پیش بردن طرح خلع سلاح مقاومت اسلامی در این کشور است. در همین حال، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل (یونیفیل) در بیانیه‌ای اعلام کردند که ارتش اسرائیل دیروز اطلاع داده است یک «عملیات هوایی برای پرتاب ماده شیمیایی غیرسمی در نزدیکی خط آبی» انجام خواهد شد. یونیفیل افزود که به‌دنبال این هشدار، نیروهایش مجبور شدند برای بیش از ۹ ساعت فعالیت‌های خود را در اماکن سر بسته متوقف کنند و بیش از ۱۰ عملیات میدانی در امتداد خط آبی لغو شد. یونیفیل ضمن کمک به نیروهای مسلح لبنان برای بررسی میزان سمی بودن ماده مذکور، این اقدام اسرائیل را نقض قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل و غیرقابل قبول توصیف کرد و هشدار داد که این اقدامات متمادی، نه‌تنها فعالیت نیروهای یونیفیل را محدود می‌کند بلکه سلامت غیرنظامیان و اراضی زراعی محلی را نیز به خطر می‌اندازد. بیانیه یونیفیل همچنین اشاره کرد که این نخستین بار نیست که هواپیمای اسرائیلی ماده شیمیایی ناشناسی را بر فراز لبنان پرتاب می‌کنند و پیامدهای آن می‌تواند در بلندمدت، بازگشت غیرنظامیان به خانه‌ها و معیشت آنان را مختل کند.



گزارش: شعر فجر

حافظ زبان فارسی

اختتامیهٔ بیستمین دورهٔ جشنوارهٔ بین‌المللی شعر فجر

آیین اختتامیهٔ بیستمین دورهٔ جشنوارهٔ بین‌المللی شعر فجر با حضور سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محسن جوادی، معاون فرهنگی وزیر و جمعی از مسئولان فرهنگی، اهالی قلم، اصحاب فرهنگ، ادب و رسانه با میزبانی تالار قلم کتابخانه ملی برگزار شد. در این مراسم شایستگان تقدیر و برگزیدگان این دوره جشنواره در بخش‌های شعر بزرگسال (شامل شعر نو، کلاسیک و محاوره)، دربارۀ شعر و نیز کودک و نوجوان معرفی و تجلیل شدند.

ضرورت همت ملی

در ابتدای مراسم، غلامرضا امیرخانی، رئیس کتاب‌خانهٔ ملی، بر اهمیت صیانت از میراث ادبی و نسخه‌های خطی کشور تأکید کرد و در بخشی از سخنان خود با اشاره به جایگاه رفیع شاعران حاضر در مراسم، به قرائت شعری از «قاسم رسا»، ملک‌الشعرای فقید آستان قدس رضوی پرداخت. او با انتخاب بیتی از این شاعر معاصر که بر استقلال و همت ملی تأکید دارد، حال و هوای مراسم را به ضرورت خودکفایی و پایداری ملی پیوند زد: زیر بار منت بیگانگان رفتن خطاست/ همتی تا چاره این فقر روزافزون کنیم». امیرخانی در پایان سخنانش، ضمن آرزوی تدرستی برای پژوهشگران و خادمان فرهنگ، بر تداوم مسیر نگاهبانی از گنجینه‌های ادبی ایران تأکید کرد.

تأسیس دفتر ویژه شعر و ادبیات داستانی

پس از سخنان رئیس کتاب‌خانهٔ ملی، محسن جوادی، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به سخنرانی پرداخت. او با اشاره به جایگاه بنیادین شعر در تمدن ایرانی، از ایجاد دفتری ویژه برای تمرکز بر حوزهٔ شعر و داستان در آینده‌ای نزدیک خبر داد. جوادی در این مراسم، ایران را سرزمینی پیوندخورده با نام بزرگان شعر و ادب توصیف کرد و گفت: «ایران همواره در جهان با شعر شناخته شده است. مردم ما در طول تاریخ طولانی این سرزمین، همواره با زبان شعر سخن گفته و احساسات و حکمت خود را در این قالب بیان کرده‌اند. شعر جایگاهی ویژه در این مرز و بوم دارد و سرمایه‌ای است که بسیاری از کشورها از آن بی‌بهراند.» جوادی با تأکید بر این که شعر رکن اصلی هویت ملی ایران است، به عمق و غنای این هنر اشاره کرد و گفت: «عظمت شعر به حدی است که حتی در صدر اسلام، زمانی که مخالفان می‌خواستند عمق و الهام کلام قرآن را توصیف کنند، آن را به شعر تشبیه می‌کردند. اگرچه قرآن فراتر از شعر است، اما این تشبیه نشان‌دهنده جایگاه رفیع و عمق والای شعر در نگاه انسان‌هاست.» معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامهٔ سخنان خود از یک تصمیم اجرایی جدید خبر داد و تصریح کرد: «بنا بر پیشنهاد اهالی شعر و ادب، دفتری در معاونت فرهنگی تأسیس شده است که در روزهای آتی به طور رسمی اعلام شده و کار خود را آغاز می‌کند. وظیفه این دفتر، توجه ویژه به حوزه شعر و ادبیات داستانی و صیانت از این سرمایه هزارساله است.» او با قرائت ابیاتی از مولانا، بر ضرورت قدرشناسی از این میراث گرانبها تأکید کرد و گفت: «ما نباید این گهر ارزشمند را که به

کافه

تازه‌های ادب و هنر

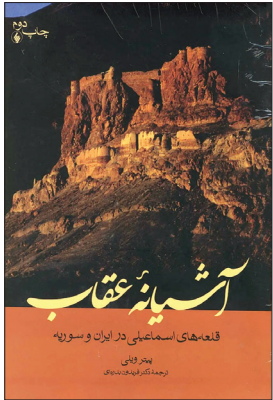
افسانه اسماعیلی

پیتر ویلی در آشیانهٔ عقاب علاوه بر معرفی قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه از این گروه راز زدایی می‌کند

(حشاشین) آشنا شدند. این کتاب احتمالاً در سال ۱۲۹۸ هنگامی که این دو مرد به عنوان اسیران جنگ جنوا در زندان به سر می‌بردند نوشته شده بود. این کتاب که بعداً به نام «سفرنامه مارکوپولو» شهرت یافت، در آن روزگار از پرفروش‌ترین کتاب‌ها شد و موجب پدید آمدن موجی از سفرنامه‌نویسی گشت. تا مدت‌های مدید، جهان سفرنامهٔ مارکوپولو را به عنوان کتابی مستند و موفق می‌شناخت تا اینکه یکی از جدیدترین پژوهندگان موضوع به نام فرانسس وود در کتاب جذاب و دل‌نشین خود به نام «آیا مارکوپولو به چین رفت» دربارهٔ مارکوپولو و روستیچلو و صحت انتساب کتاب بدان‌ها شک و تردید بسیار کرد. . . . مارکوپولو خودش به احتمال زیاد هرگز در شرق قدم از قسطنطنیه و دریای سیاه آن سوتر نگذاشته است. به هر حال، توصیف مارکوپولو از «استاد بزرگ آدمکشان (حشاشین)» و قلعهٔ معظم او در الموت و «باغ بهشت» معروف او یکی از پر درنگ‌ترین اسطوره‌های شرقی است که از اروپای سده‌های میانه به ما رسیده است. داستان چنین می‌گوید که «استاد بزرگ» حسن صباح در قلعهٔ دوردست تسخیرناپذیری زندگی می‌کرد و در آن‌جا توطئه می‌چید که جهان اسلام را تسخیر کند، و در پی این رؤیا فدائیان متعصب را می‌فرستاد تا دشمنانش را از پای در آورند. داستان این‌گونه ادامه می‌یابد که این فدائیان پیش از آن‌که مأموریت مرگ‌بار خود را بپایانزد نخست بدان‌ها شرابی آمیخته به حشیش به دست دوشیزگان زیبا در باغی مسحور کننده می‌خوراندند تا طعم لذاتی را که در بهشت بعد از مرگ انتظار آن‌ها را می‌کشد، بچشاند.»

قلعه‌های اسماعیلی

به اعتقاد پیتر ویلی یکی از علل دوام چنین افسانه‌هایی نبودن تحقیق علمی واقعی در تاریخ اندیشه و ادبیات اسلامی و به‌ویژه اسماعیلی تا نسبتاً روزگاران اخیر است. او در ادامه می‌نویسد: «نخستین کوشش جدی در اروپا که در این باره به عمل آمد در سال ۱۹۶۷، در یک سلسله مقالات بود که در اثر دائرالمعارفی بارتلمی دیلو به نام «کتاب‌خانهٔ شرقی» انتشار یافت. این کتاب برای سال‌ها منبع



آشیانهٔ عقاب

قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه
پیتر ویلی
ترجمهٔ فریدون بدره‌ای
نشر فرزنان روز
صفحه ۴۴۸
۹۵۰۰۰۰ تومان

جشنواره فیلم فجر- ۲

قمار بی‌هیجان

درباره فیلم قمار باز

به کارگردانی محسن بهاری

فرزانه متین

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

فیلم «قمارباز» به کارگردانی محسن بهاری و تهیه‌کنندگی سجاد نصراللهی، ازجمله آثاری است که در چهل‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر نمایش داده شد. این فیلم در ابتدا به‌نظر می‌رسید که قرار است درباره جنگ ۱۲ روزه باشد، اما در واقع تم اصلی فیلم حول محور نفوذ، جاسوسی و امنیت می‌چرخد و جنگ تنها نقش بستر را فراهم کرده است. در واقع، «قمارباز» با انتخاب موضوع حملات سایبری و تهدیدات امنیتی، می‌خواهد داستانی معمای-اجتماعی را روایت کند، اما در عمل نتوانسته است از پتانسیل‌های این ایده بهره‌برداری کافی داشته باشد. یکی از ویژگی‌های اصلی «قمارباز»، ایده جذاب و به‌روز آن است. انتخاب سوژه‌ای مثل حمله سایبری به سیستم بانکی، آن‌هم در فضای سینمای ایران و جشنواره فجر، خود یک ریسک محسوب می‌شود. اما متأسفانه، این ریسک با احتیاط زیادی همراه شده است. فیلمساز به‌جای اینکه از فضای پرتنش و بحران‌آفرین داستان بهره‌برداری کند، بیشتر سعی کرده تا از زاویه‌ای امنیتی و بی‌ابه‌ای به موضوع نگاه

مسلمانان اسماعیلی سده‌های میانه نمونهٔ کلاسیک و کهنی هستند از این‌که چگونه تعالیم یک جنبش دینی و سیاسی را معاندان و دشمنان آن به آسانی می‌توانند تحریف کنند، و در نتیجه اسطوره‌ها و افسانه‌های سخیفی آوازهٔ کاملاً بی‌پایه‌ای برای شیوه‌های گمراه‌کننده و بداندیشانهٔ تصویری آن فراهم سازند. با گذشت قرن‌ها این افسانه‌ها شاخ و برگ بیشتری پیدا کردند تا به صورت واقعیت‌های پذیرفته‌شده حتی از سوی محققان و دانشمندان دانشگاهی درآیند. بر همین اساس اسماعیلیان نزاری نخستین ایران و شام (سوریه) قرن‌ها مردمانی تشنه قدرت و متعصبانی قسی‌القلب تصویری می‌شدند که برای رسیدن به هدف‌های خود از هیچ کاری، حتی آدم‌کشی، باز نمی‌ایستند و از این رو در نزد مغرب‌زمینیان به «آدمکشان» معروف شدند.

این تحریفات و رازآلودگی و ابهاماتی که دربارهٔ اسماعیلیان وجود داشته باعث شده پژوهش دربارهٔ اسماعیلیه همیشه برای محققان غربی جالب باشد زیرا نوعی کنج‌کاوی را می‌طلبد و جای تحقیق و بررسی را فراهم می‌کرده است. در این حوزه تاکنون آثار زیادی منتشر شده و تا دو دهه پیش تحقیقاتی که دربارهٔ اسماعیلیه می‌شد حتی از آنچه در بارهٔ شیعیان دوازده امامی نوشته می‌شد به مراتب مفصل‌تر و بیشتر بود. اکنون نیز موسسهٔ مطالعات اسماعیلی لندن که پشتوانهٔ مالی مناسبی دارد از این قبیل کارها حمایت می‌کند. کتاب «آشیانهٔ عقاب: قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه» نوشتهٔ پیتر ویلی از جمله کتاب‌هایی است که با حمایت موسسهٔ مطالعات اسماعیلی منتشر شده است. پیتر ویلی، یکی از صاحب‌نظران بین‌المللی در مورد قلعه‌های اسماعیلیه در ایران و سوریه است و سال‌های زیادی از عمرش را صرف کشف و تحقیقات در این حوزه کرد. او کتاب‌های متعددی از جمله «قلعه‌های حشاشین» (۱۹۶۳) نوشته است که هنوز به عنوان اثر استاندارد در این زمینه شناخته می‌شود و به دایره‌المعارف ایرانیکا دربارهٔ آثار اسلامی کمک کرده است. ویلی عضو موسسهٔ سلطنتی تحقیقات آسیایی و عضو موسسهٔ سلطنتی جغرافیایی بود و سال ۲۰۰۹ درگذشت. کتاب «آشیانهٔ عقاب» او سال ۲۰۰۵ منتشر شده و فریدون بدره‌ای که سابقه‌ای طولانی در ترجمهٔ آثار مربوط به اسماعیلیه دارد آن را ترجمه کرده و انتشارات فرزنان روز منتشرش کرده است. موضوع کتاب دربارهٔ قلاع اسماعیلیه است و یافته‌های تازهٔ زیادی دربارهٔ این قلعه‌ها دارد. «آشیانهٔ عقاب شامل بخش اول: ظهور و سقوط دولت اسماعیلی نزاری، بخش دوم: قلعه‌های اسماعیلیان و پیوست‌ها شامل توضیحاتی دربارهٔ سفرهای تحقیقاتی به سرپرستی مؤلف، فهرست قلعه‌ها و استحکامات اسماعیلی، سفالینه‌های اسماعیلی از دورهٔ الموت و سکه‌های اسماعیلی از دورهٔ الموت است. در این کتاب تعداد فراوانی لوح و نقشه هم برای نشان دادن مراکز اصلی اسماعیلیه در ایران و شام چاپ شده است.

افسانه حشاشین

پیتر ویلی در پیش‌گفتار «آشیانهٔ عقاب» دربارهٔ نخستین آشنایی غربی‌ها با اسماعیلی‌ها می‌نویسد: «بیشتر دنیای مغرب زمین نخستین بار در نتیجهٔ انتشار کتاب «توصیف جهان مارکوپولو» به وسیلهٔ روستیچلو پیژایی، با «آدم‌کشان»

شناسه آگهی ۲۱۰۹۱۵۴

نوبت دوم

مناقصه عمومی (فشرده)

یک مرحله ای به شماره ۲۱۰۹۱۵۴

شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه زنجان در نظر دارد؛ مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده) لایروبی، رنگ آمیزی و تعمیرات کلی مخزن ۲۱ میلیون لیتری شماره ۱۳ نفتگاز؛اتبار نفت شهید تندگویان زنجان را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه، ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۲ می باشد.

محل اجرای مناقصه	شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه زنجان
میلغ تقریبی برآورد اولیه	۶۹,۷۵۱,۳۴۲,۹۵۲ ریال
نوع تضمین و میلغ شرکت در مناقصه	۳,۴۸۷,۵۶۷,۱۴۸ ریال بصورت ضمانت نامه بانکی یا واریز نقدی به حساب ۱۶۰۰۲۱۷۲۵۸۸۰۱۶۰۰۲نام عامل دیحساب شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه زنجان نزد بانک ملی
مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت	از ساعت ۱۰ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۲ تا ساعت ۱۶ روز پنجشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۶
ساعت و تاریخ توضیح اسناد	ساعت ۱۰ روزسه شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸
مهلت زمانی ارسال پیشنهاد	ساعت ۱۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲
زمان بازگشایی پاکت ها	ساعت ۱۲ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲
شرایط متقاضیان شرکت در مناقصه لایروبی، رنگ آمیزی و تعمیرات مخزن ۲۱ میلیون لیتری شماره ۱۳ نفتگاز	مدارک لازم برای شرکت ها: ۱- دارای شخصیت حقوقی ۲- ارائه کد ثبت شده شرکت در سایت پایگاه ملی مناقضات ۳- صلاحیت از اداره کار و اموراجتماعی استان ۴- تصویر گواهینامه صلاحیت ایمنی پیمانکاران از اداره کار استان که می بایست قبل از تحویل پاکت ها در امورحقوقی منطقه برابر اصل گردد و یا اصل نامه گذراندن کلاس های مربوط به گواهی نامه مزبور از اداره کار استان ۵- دارای حداقل رتبه ۵ نفت گاز ۶- آتالیب قیمت موجود باشد
شرایط عمومی و الزامی	۱- دراین مناقصه جهت تعیین مناسب ترین قیمت و برنده مناقصه، از دستورالعمل ارزیابی مالی و فرایند قیمت متناسب در مناقضات صنعت نفت به شماره ۷۹۶-۲۰/۲ مورخه ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ وزیر محترم نفت (پیوست اسناد مناقصه)استفاده میگردد. ۲- صرفاً اسناد پاکت های الف، ب و ج دارای امضا الکترونیکی موردپذیرش است در جلسه بازگشایی پاکت های ب و ج ، اسناد فیزیکی(کاغذی) و اسناد فاقد امضا الکترونیکی (دارای امضا گرم) به هیچ وجه مورد پذیرش نیست. ۳- درج امضا الکترونیکی ذیل اسناد بازگزاری شده توسط مناقصه گران الزامی میباشد.

۱- اسناد مناقصه و شرایط عمومی پیمان در دو سایت [ietsmportal.ir](http://www.ietsmportal.ir) و [monaghese.niopdc.ir](http://www.monaghese.niopdc.ir) قابل دسترس و مطالعه جهت آگاهی از شرایط قرارداد می باشد.
۲- اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه ، آدرس: زنجان میدان آزادی خیابان شرکت نفت، شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران منطقه زنجان، واحد امورحقوقی و پیمان ها(آقای محمدهادی کردلو)، تلفن: ۳۳۰۴۸۱۵۰-۰۲۴-۰۲۴- خدمات مهندسی (۰۲۴-۳۳۷۹۷۰۳)
۳- با توجه به برگزاری مناقصه از طریق سامانه ستاد، درج امضای الکترونیکی ذیل کلیه اسناد بازرگاری شده توسط مناقصه گران الزامی است.
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت اسناد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۳۴۴
اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان ها، در سایت سامانه setadiran.ir بخش «ثبت نام/ پرو فایل تأمین کننده/ مناقصه گر» موجود است.

انتشار آگهی نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

انتشار آگهی نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴

روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران منطقه زنجان



موسیقی علیه مرزهای جغرافیایی

هنر، مهاجرت و سیاست در مراسم جوایز گرمی

تشکر کنم که پس از ۳۰ سال کار به‌عنوان پرستار رسمی در بخش روان‌پزشکی، امروز بازنشسته‌شد؛ آن‌هم به‌عنوان یک مهاجر در این کشور. مهاجران این کشور را ساخته‌اند؛ واقعاً و به‌معنای واقعی کلمه. این جایزه برای آنهاست. ممنون که فرهنگ، موسیقی و داستان‌هایتان را با خود آوردید».

کلانسی پس از دریافت نخستین جایزه گرمی خود، سخنرانی‌اش را با جمله‌ای تند علیه اداره مهاجرت به پایان رساند. گلوپا استبان در پشت صحنه مراسم گفت: «می‌ترسم. صدها کودک در مراکز بازداشت هستند. در این لحظه کشورم را نمی‌شناسم».

پیروزی‌های بزرگ شب

کندریک لامار و اس‌زا برای قطعه «لوتر» برنده جایزه ضبط سال شدند. این جایزه توسط شر اهدا شد که به‌اشتباه نام لوتر وندروس را به‌عنوان برنده اعلام کرد. ساونویو، یکی از تهیه‌کنندگان قطعه، سخنرانی را با یادآوری نام لوتر وندروس آغاز کرد. کندریک لامار همچنین جایزه بهترین آلبوم رپ را برای «جی‌ان‌ایکس» دریافت کرد. با این پیروزی، تعداد جوایز گرمی او به ۲۷ رسید و رکورد جی‌زی را شکست. جایزه بهترین آلبوم پاپ با اجرای آوازی به لیدی گاگا برای آلبوم «مهبم» رسید و جایزه بهترین اجرای پاپ تک‌نفره به لولا یانگ برای قطعه «به‌هم‌ریخته» تعلق گرفت. جایزه نخستین آلبوم کانتتری معاصر به چلی رول برای آلبوم «زیبا اما شکسته» رسید. فارل ویلیامز نیز جایزه تأثیر جهانی دکتر دره را دریافت کرد و گفت: «از همه کسانی که به قدرت موسیقی سیاه باور دارند، سپاسگزارم».

ادای احترام و اجراهای زنده

بخش یادبود درگذشتگان مراسم، به شکلی پرقدردت به میراث دی‌آنجلو و روبرتا فلک اختصاص داشت. لورین هیل پس از ۲۷ سال بار دیگر روی صحنه گرمی حاضر شد؛ همان هنرمندی که در سال ۱۹۹۹ با آلبوم «آموزش نادرست لورین هیل» برنده آلبوم سال شده بود. اجرای تایلر، دِ کرتور با همراهی رچینا کینگ، ترکیبی نمایشی و تئاتری داشت و یکی از خلاقانه‌ترین اجراهای شب بود. هر هشت نامزد بخش بهترین هنرمند تازه‌وارد در قالب اجرایی چندبخشی حضور داشتند؛ از سول بریتانیایی گرفته تا پاپ هیبنتیک و راک ایندی. لئون توماس نیز با اجرای آرانبدی پخته خود نشان داد چرا تنها نامزدی است که همزمان در بخش آلبوم سال حضور دارد. مراسم با اجراهایی از ژژه و برونو مارس، ساپرینا کارپنتر، جاستین بوبر و لیدی گاگا همراه بود.

برندگان پیش از شروع مراسم اصلی

در مراسم پیش‌درآمد، دلایی لا‌ما برای نخستین‌بار جایزه گرمی بخش کتاب صوتی و روایت را دریافت کرد. قطعه «طلایی» از مجموعه «شکارچیان دیو کی‌پاپ» نیز به‌عنوان بهترین ترانه نوشته‌شده برای رسانه تصویری انتخاب شد و نخستین جایزه گرمی تاریخ موسیقی کی‌پاپ را به‌دست آورد. فیلم موسیقایی «موسیقی برای جان ویلیامز» نیز برنده شد و استیون اسپیلبرگ با این جایزه، رسماً به جمع هنرمندان دارای هر چهار جایزه بزرگ هنری (امی، گرمی، تونی و اسکار) پیوست.

بد بانی در مراسم جوایز گرمی ۲۰۲۶ برای آلبوم تحسین‌شده «دبی تیرار ماس فوتوس» برنده جایزه آلبوم سال شد و شبی غافلگیرکننده و تاریخ‌ساز را رقم زد. این نخستین‌بار است که یک آلبوم اسپانیایی‌زبان موفق می‌شود مهم‌ترین جایزه گرمی را از آن خود کند. او در سخنرانی دریافت جایزه، به زبان اسپانیایی گفت: «پورتوریکو، باور کنید وقتی می‌گویم ما خیلی بزرگ‌تر از ۱۰۰ در ۳۵ هستیم»، اشناردای به یک اصطلاح رایج پورتوریکویی درباره کوچکی اندازه جغرافیایی جزیره. او ادامه داد: «هیچ‌چیزی وجود ندارد که نتوانیم به آن برسیم. شکر خدا، ممنون از آکادمی، ممنون از همه کسانی که در طول دوران حرفه‌ای‌ام به من ایمان داشتند. از همه کسانی که روی این آلبوم کار کردند ممنونم. ممنون مامان که مرا در پورتوریکو به‌دنیا آوردی، دوست دارم».

سپس سخنانش را به زبان انگلیسی ادامه داد و گفت: «می‌خواهم این جایزه را تقدیم کنم به همه کسانی که مجبور شدند برای دنبال‌کردن رویاهایشان، سرزمین مادری خود را ترک کنند». جایزه آلبوم سال توسط هری استایلز اهدا شد؛ خواننده انگلیسی که پیش‌تر در سال ۲۰۲۳ با آلبوم «خانه هری» برنده همین جایزه شده بود. او در آن سال بد بانی را شکست داده بود. بد بانی با آلبوم «یک تابستان بدون تو» نامزد شده بود که نخستین آلبوم اسپانیایی‌زبانی بود که به این بخش راه پیدا کرد.

پیام‌های ضد اداره مهاجرت و گمرک آمریکا از روی صحنه

بیلی آیلش برای قطعه «گل وحشی» برنده جایزه ترانه سال شد و از این فرصت برای انتقاد از سیاست‌های مهاجرتی ایالات متحده استفاده کرد. او هنگام دریافت جایزه برای این ترانه از آلبوم «محکم بزن و نرم بیرون بیا» گفت: «هیچ‌کس روی سرزمین دزدیده‌شده غیرقانونی نیست». او سپس با لحنی تند افزود: «مرگ بر اداره مهاجرت و گمرک آمریکا».

مهاجرت یکی از محورهای اصلی مراسم امسال بود. بد بانی نخستین‌بار که برای دریافت جایزه آلبوم موسیقی شهری روی صحنه آمد، سخنرانی خود را با پیامی صریح علیه اداره مهاجرت آغاز کرد و با تشویق گسترده حضار روبه‌رو شد. او گفت: «قبل از اینکه از خدا تشکر کنم، می‌گویم: اداره مهاجرت بیرون». و ادامه داد: «ما وحشی نیستیم، حیوان نیستیم، بیگانه نیستیم. ما انسان هستیم و آمریکایی هستیم».

پیش از آن، اولیویا دین به‌عنوان بهترین هنرمند تازه‌وارد معرفی شد. او با چشمانی اشک‌آلود گفت: «واقعاً هیچ‌وقت تصور نمی‌کردم اینجا باشم. من به‌عنوان نوه یک مهاجر اینجا ایستاده‌ام. اگر شجاعت نبود، من اینجا نبودم. فکر می‌کنم این آدم‌ها شایسته جشن گرفته‌شدن هستند». تمام این سخنان به‌صورت زنده از شبکه تلویزیونی سی‌بی‌اس پخش شد. در مراسم پیش‌درآمد گرمی‌ها که ۸۶ جایزه در آن اهدا می‌شود نیز، هنرمندان با صراحت درباره مهاجرت و برخوردای امنیتی صحبت کردند.

شاپوزی هنگام دریافت جایزه اجرای کانتتری دونفره با گروهی، با چشمانی اشک‌آلود گفت: «می‌خواهم از مادرم



و مأخذ اطلاعات دربارهٔ شرق بود تا زمانی که ناپلئون در سال ۱۷۹۸ – ۱۷۹۹ به مصر و سوریه حمله کرد، و این حمله آتش مطالعات شرق‌شناسی را در فرانسه و کشورهای اروپایی دیگر شعله‌ور ساخت. در سال ۱۸۰۹ سرآمدترین شرق‌شناس فرانسوی زمان، سیلوستر دوساسی سخنرانی معروف خود را در مؤسسهٔ فرانسه تحت عنوان «تذکره دربارهٔ سلسلهٔ اساسین» ایراد کرد، و در آن ریشه‌شناسی‌های مختلف را که برای واژهٔ «اساسین» داده شده بود واریسی کرد. دوساسی به کارش ادامه داد و در سال ۱۸۳۸ اثر بزرگ خود «شرح مذهب دروزیه» را منتشر ساخت، و در آن تاریخ و معتقدات اولیهٔ اسماعیلیه و یکی از شاخه‌های آن را که دروزی مذهب سوریه و لبنان باشد بررسی کرد. با آن‌که دوساسی تقریباً همهٔ اطلاعات خود را از منابع و مأخذ خصمانه اهل سنت که نظری دشمنانه به اسماعیلیان دارند برداشته بود، آثار او بر تحقیقات بعدی غربی دربارهٔ اسماعیلیان اثر گذاشت. نخستین کتابی که سراسر به بررسی اسماعیلیان پرداخته بود در آلمان به قلم یک سیاستمدار و محقق اثریشی به نام یوزف فن هامر- پورگشتال، در سال ۱۸۱۸ نوشته شد. فن هامر به خاطر آن‌که شعر حافظ شاعر بلند آوازهٔ پارسی‌گوی را به خوانندگان غربی شناسانده بود، شهرت داشت… اما به علت دشمنی با اسماعیلیان عنان قلم را به دست احساسات سپرد و از راه مستقیم به دور افتاد. «ویلی می‌نویسد با شروع دورهٔ امپراتوری برای غربیان این فرصت پیش آمد که ساحت قلاع اسماعیلی را مستقیماً بررسی و کاوش کنند. نخستین بررسی از این نوع را یک افسر بریتانیایی، کلنل موتیت در پیش گرفت که از خرابه‌های استحکاماتی چند در نزدیکی الموت در سال ۱۸۲۲ دیدن کرد. او از شهر منجیل مسیر شاهرود را در پیش گرفت و سرانجام به مدخل درهٔ الموت رسید، ولی به ده گازرخان که قلعهٔ الموت در بالای آن قرار گرفته است ره نیاقت به نظر می‌رسد که او دژ شیرکوه را در مدخل دره با قلعهٔ اصلی الموت اشتباه گرفته بود. نویسنده «آشپانهٔ عقاب» دربارهٔ تحقیقات متأخر غربی‌ها دربارهٔ اسماعیلیان می‌نویسد: «از سال‌های ۱۹۳۰ به بعد مقدار معتناهی نوشته‌های تحقیقی دربارهٔ تاریخ، عقاید، ادبیات و سنت‌های متفاوت اسماعیلیان انتشار یافت اما به غیر از کتاب فریا استارک و پروفیسور ایوانف، و نیز یک یا دو مقاله به قلم سر اوریل اشتاین، دکتر لاورنس لاکهارت و دیگران دربارهٔ ساحت‌های منفرد قلاع اسماعیلی مانند الموت، لمسر و سمیران (شمیران) کوشش زیادی برای دادن شرحی مستوفی دربارهٔ قلعه‌ها و دژهای اسماعیلی که امروز باقی مانده است به عمل نیامد.»

مهارت‌های شگفت‌انگیز اسماعیلیان

پتر ویلیی در ادامه دربارهٔ چگونگی آشنایی‌اش با اسماعیلیه و شروع تحقیقاتش دربارهٔ قلعه‌های اسماعیلی می‌نویسد: «من نخستین بار بعد از خواندن کُتاب جذاب و گیرای فریا استارک به نام «درهای حشاشین» به اسماعیلیان علاقه‌مند شدم. هنگامی که مدیر مدرسه بودم و عضو بایلو، بخت با من یاری کرد و دکتر سمیول م. استرن، عضو شورای مدیران آل سولز کالج آکسفورد را ملاقات کردم. وی یکی از دانشمندان برجستهٔ اسلام‌شناس و به‌ویژه متخصص در پژوهش‌های اسماعیلی بود. هنگامی که شنیدم من دوت سرجفری هریسون، سفیر بریتانیا در ایران را پذیرفته‌ام که تعطیلات تابستان ۱۹۵۹ خود را در تهران بگذرانم، مرا بر آن داشت که بشوم محل قلعه اسماعیلی میمون دژ را در نزدیکی الموت جایی که لشکرکریان مغول به فرماندهی هولاکوخان مقاومت اسماعیلیان را در ۱۲۵۶/۶۵۴ در هم شکستند و هنوز جای آن شناسایی نشده بود پیدا کنم… در نتیجه دو مسافرت نخستین به الموت که در سال‌های ۱۹۵۹ و ۱۹۶۰ صورت گرفت، هنگامی که گروه من این کامیابی را به دست آورد که برای نخستین بار محل میمون دژ را تعیین کند، من به یک رشته مسافرت‌های تحقیقاتی طولانی

انگیزه‌های شخصی‌شان را به‌درستی منتقل کنند. بازی کوروش تهامی در نقش فرید نسبت به دیگر نقش‌های او تفاوت چندانی ندارد. فرید «قمارباز» تقریباً شبیه به خسرو محکوم در فیلم‌های قبلی تهامی است. درمقابل، آرمین رحیمیان در نقش پیمان، مأمور امنیتی، بهتر عمل می‌کند. بازی او با اینکه نسبتاً تک‌بعدی است، اما بار اصلی فیلم را بر دوش می‌کشد و تا حد زیادی به روایت فیلم انسجام می‌بخشد.

یکی دیگر از مشکلات بزرگ فیلم، فضای محدود و تکلوقیشنی آن است. فیلم از میزانس‌های تکراری و نورپردازی ضعیف به‌شدت رنج می‌برد. در بسیاری از سکانس‌ها، نورپردازی بسیار ساده و بدون جزئیات است و این مسئله به‌شدت بر تنش فیلم تأثیر می‌گذارد. فضای بسته و تکراری فیلم، حتی در موقعیت‌هایی که می‌تواند بر تنش بیفزاید، از جذابیت آن می‌کاهد.

با ورود نابهنگام دوستان فرید نیز در طول داستان، به هیچ‌عنوان به جذابیت فیلم افزوده نمی‌شود، بلکه بیشتر باعث آشفتگی در روایت و از دست رفتن تمرکز می‌شود. پایان‌بندی «قمارباز» نیز کاملاً قابل پیش‌بینی است. مانند دیگر فیلم‌های ایرانی در این ژانر، نمی‌تواند از کلیشه‌های شناخته‌شده فراتر برود. در این فیلم، نتیجه‌گیری داستان که در نهایت مأمور امنیتی با استناد به حدس و گمان و بیشتر براساس حس ششم، موفق به کشف حقیقت می‌شود، بسیار غیرواقعی به‌نظر می‌رسد. این پایان هیچ‌گونه شوک یا تغییری در ذهن تماشاگر ایجاد نمی‌کند و بیشتر شبیه به جمع‌بندی منطقی یک پرونده است تا نقطه اوج یک فیلم سینمایی. در نهایت، «قمارباز» فیلمی است که در سطح انتخاب سوژه و فضای جدی تلاش می‌کند، اما از نظر درام و روایت نتوانسته است به پتانسیل‌های موجود دست یابد. فیلم بیشتر از آن‌که جسوړانه قمار کند، سعی کرده است با کم‌ترین ریسک از میز بازی بلند شود. این اثر به‌جای اینکه مخاطب را به عمق داستان بکشد، بیشتر به دنبال دادن یک پیام امنیتی است تا روایت یک داستان سینمایی جذاب و به احتمال زیاد در حافظهٔ جشنواره می‌ماند، اما بعید است که به یکی از آثار ماندگار آن تبدیل شود.

کند. درحالی‌که داستان می‌توانست با استفاده از المان‌های سینمایی و ساختاری جذاب‌تر، تجربه‌ای سینمایی و درگیرکننده باشد، فیلم به رویکردی محتاطانه روی آورده و در نهایت نتوانسته درامی متشنج و تأثیرگذار ارائه دهد.

«قمارباز» سعی می‌کند در مرز سینمای اجتماعی، امنیتی و معمایی حرکت کند، اما این چندپارگی ژانری باعث شده فیلم نتواند هویت نهایی خود را پیدا کند. در یک لحظه، فیلم قصد دارد درباره بی‌اعتمادی و قدرت سیستم‌های امنیتی صحبت کند و در لحظه‌ای دیگر، روایت خود را به سمت گفت‌وگوهای طولانی و بازجویی‌های تکراری می‌برد که ریتم کند و خسته‌کننده‌ای را به همراه دارند. درحالی‌که این ریتم برای مخاطب جشنواره‌ای قابل تحمل است، اما برای تماشاگر عام که به‌دنبال هیجان و کشش است، این کندی تبدیل به نقطه ضعفی بزرگ می‌شود.

یکی از مشکلات بزرگ فیلم، تمرکز بیش از حد بر دیالوگ‌هاست. فیلم بیشتر بر پایه دیالوگ پیش می‌رود، که این خود می‌تواند برای بسیاری از تماشاگران جذاب باشد، اما در این فیلم این دیالوگ‌ها به‌شدت یی‌نگ‌پ‌نگی و در برخی مواقع شعاری هستند.

از دیگر مشکلاتی که فیلم با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، فقدان تعلیق است. با وجود اینکه داستان به یک بحران بالقوه بزرگ می‌پردازد، در انتقال حس فوریت و خطر چندان موفق عمل نمی‌کند. مخاطب می‌داند که یک اتفاق مهم در حال رخ دادن است، اما آن را به‌درستی حس نمی‌کند. این فاصله احساسی باعث می‌شود که درام فیلم، سرد و بی‌روح باقی بماند. درحالی‌که یک فیلم با چنین سوژه‌ای می‌تواند به‌شدت متشنج و هیجان‌انگیز باشد، فیلم در ایجاد تنش و نگاه معمایی که باید جلب‌توجه کند، چندان موفق نبوده است. در زمینه شخصیت‌پردازی، «قمارباز» به رویکردی مینیمالیستی روی آورده است. تمرکز اصلی فیلم بر دو شخصیت محوری است: پیمان، مأمور امنیتی با بازی آرمین رحیمیان، و فرید، کارمند بانک مرکزی و مظنون با بازی کوروش تهامی. اگرچه این دو شخصیت به‌طور واضح نقش مهمی در روایت دارند، اما شخصیت‌پردازی آنها به‌حدی سطحی و ناکافی است که نتوانسته درام و



بازار سهام

عروسی در کوچه بورس

کانال ۴ میلیون واحدی چگونه پس گرفته شد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بورس تهران در سومین روز معاملاتی هفته، بار دیگر رنگ سبز را به تابلوهای خود بازگرداند و نماگرهای اصلی بازار سهام با رشد قابل‌توجهی همراه شدند. پس از آنکه شاخص کل در معاملات چهارشنبه هفته گذشته، کانال حساس ۴ میلیون واحدی را از دست داده بود، در معاملات روز گذشته با جهشی بیش از ۲ درصدی، بار دیگر به این سطح بازگشت. این بازگشت در شرایطی رقم خورد که همزمان بازارهای رقیب، یعنی طلا و ارز، وارد مسیر اصلاحی و نزولی شدند و بخشی از جذابیت کوتاهمدت خود را از دست دادند. در کنار رشد شاخص کل، شاخص هم‌وزن بورس نیز که نمایانگر وضعیت کلی‌تری از بازار و عملکرد شرکت‌های کوچک‌تر است با افزایش ارتفاع ۱.۵ درصدی همراه و موفق شد، سطح مهم یک میلیون واحدی را حفظ کند. این هم‌زمانی رشد در هر دو شاخص، نشانه‌ای از بهبود نسبی فضای عمومی بازار و کاهش فشار فروش در نمادهای کوچک و متوسط تلقی می‌شود.

یکی از مهم‌ترین اتفاقات معاملات روز گذشته، بازگشت سرمایه‌گذاران حقیقی به بازار سهام بود. پس از آنکه طی ۸ روز معاملاتی متوالی، جریان خروج پول حقیقی از بورس ادامه داشت، روز گذشته ورق برگشت و بورس تهران میزبان بیش از ۱.۴ همت نقدینگی حقیقی شد. این تغییر جهت، از نگاه فعالان بازار، می‌تواند نشانه‌ای اولیه از تعدیل انتظارات منفی و افزایش جذابیت بازار سهام در مقایسه با سایر بازارهای دارایی باشد. در پایان معاملات، شاخص کل بورس با رشد ۲.۳۵ درصدی پس از سه روز معاملاتی بار دیگر به کانال ۴ میلیون واحد بازگشت و در سطح ۴ میلیون و ۵۲ هزار واحدی قرار گرفت. این حرکت صعودی در شرایطی رخ داد که هم‌زمان شاهد خروج قابل توجه پول از صندوق‌های درآمد ثابت و ETF‌های مبتنی بر طلا بودیم؛ موضوعی که می‌تواند در کوتاهمدت به نفع بازار سهام تمام شود و زمینه جذب نقدینگی سرگردان را برای بورس تهران فراهم کند. در ادبیات مالی، جابه‌جایی سرمایه میان بازارهای مختلف، رفتاری تصادفی یا صرفاً احساسی تلقی نمی‌شود بلکه ریشه در اصول بنیادینی دارد که رفتار سرمایه‌گذاران را توضیح می‌دهد. این اصول نشان می‌دهند چرا در مقاطعی، خروج پول از بازار سهام شدت می‌گیرد و هم‌زمان، بازارهایی مانند طلا، سکه یا ارز با موج ورود نقدینگی مواجه می‌شوند. نخستین اصل، بیشینه‌سازی بازدهی مورد انتظار است. سرمایه‌گذار همواره منابع خود را به بازاری اختصاص می‌دهد که تصور می‌کند در آینده، بازدهی بالاتری نصیبش خواهد شد. نکته کلیدی اینجااست که تصمیم‌های سرمایه‌گذاری نه براساس بازدهی گذشته بلکه بر مبنای انتظارات از آینده شکل می‌گیرد. زمانی که بازار سهام وارد دوره‌ای از رکود قیمتی، افت شاخص‌ها و نبود چشم‌انداز روشن سودآوری می‌شود، بازدهی مورد انتظار آن در ذهن سرمایه‌گذار کاهش می‌یابد. حتی اگر قیمت بسیاری از سهام از منظر تحلیلی ارزنده باشد، نبود محرک‌های رشد در کوتاهمدت می‌تواند، سرمایه را از بازار دور کند. در مقابل، اگر در بازاری دیگر مانند طلا و سکه، روند صعودی شکل بگیرد، انتظارات بازدهی به سرعت به سمت آن بازار متمایل می‌شود. سرمایه به‌طور مداوم در حال مقایسه فرصت‌هاست و بازاری که امید رشد بیشتری در آن دیده می‌شود، جذاب‌تر جلوه می‌کند.

اصل دوم، مفهوم «هزینه فرصت» است. نگه داشتن سرمایه در یک بازار با به‌معنای چشم‌پوشی از بازدهی بالقوه در سایر بازارهاست. اگر سرمایه‌گذار احساس کند که بورس برای مدتی طولانی بازدهی معناداری نخواهد داشت، هزینه فرصت ماندن در آن افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی، رشد قیمت‌ها در بازار طلا و ارز این پیام را مخایره می‌کند که فرصت سودآوری در جای دیگری در حال شکل‌گیری است. این مقایسه دائمی باعث می‌شود حتی سرمایه‌گذاران حرفه‌ای نیز بخشی از پرتفوی خود را جابه‌جا کنند؛ بنابراین فشار فروش در بورس لزوماً ناشی از بدبینی مطلق به شرکت‌ها نیست بلکه حاصل محاسبه‌ای عقلایی در مقایسه میان بازارهاست. اکنون سقوط طلای جهانی در کنار ارزندگی نسبی بخش قابل‌توجهی از نمادهای بورسی، شرایطی را ایجاد کرده که می‌تواند به‌نفع بازار سهام تمام شود؛ هرچند مسیر بورس تهران همچنان به تحولات سیاسی و نظامی منطقه گره خورده است. در بازار ارز نیز دلار آزاد که معاملات روز گذشته را در سطح ۱۵۸ هزار و ۸۰۰ تومان به پایان رسانده بود، امروز در سطح ۱۵۸ هزار تومان آغاز به کار کرد و در ادامه با عقب‌نشینی به کانال ۱۵۵ هزار تومان بازگشت. مخایره اخبار مثبت از روند مذاکرات، عامل اصلی کاهش قیمت دلار در بازار آزاد ارزیابی می‌شود. در بازار فیزیکی طلا و سکه نیز هر گرم طلای ۱۸ عیار در محدوده ۱۸۳ میلیون تومان معامله می‌شود و سکه امامی به سطح ۱۸۳ میلیون تومان رسیده است. صندوق‌های سرمایه‌گذاری مبتنی بر طلا نیز با افتی در محدوده منفی ۸ تا ۶ درصد، روزی که‌هرق را پشت سر گذاشتند؛ وضعیتی که می‌تواند در کوتاهمدت، بار دیگر توجه سرمایه‌گذاران را به بازار سهام معطوف کند.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

رشد ناچیز و نامحسوس

بانک جهانی چه تصویری از آینده اقتصاد ایران ارائه می‌دهد؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

زمستان‌های اقتصادی همیشه با برف و یخبندان نمی‌آیند. گاهی آرام، بی‌سروصدا و تدریجی از راه می‌رسند. آن قدر آهسته که اقتصادها تازه وقتی متوجه سرما می‌شوند که دیگر توان گرم کردن خود را از دست داده‌اند. سال ۲۰۲۶ در ادبیات تازه بانک جهانی، چنین زمستانی است. فصلی که نه فاجعه‌بار است و نه نوبدبخش شکوفایی بلکه دوره‌ای از سازگاری با سرمای تازه به شمار می‌رود. برای ایران و بسیاری از کشورهای خاورمیانه و منطقه منا، این سال قرار نیست نقطه سقوط باشد اما قطعاً سالی برای نفس کشیدن راحت هم نخواهد بود. اقتصاد ایران سال‌هاست با مجموعه‌ای از پدیده‌های مزمن و ناهنجار هم‌زیستی پیدا کرده و با وجود فشارهای سنگین به مسیر خود ادامه داده است. نوسان‌های شدید داخلی، ناترازی گسترده در شبکه بانکی، کسری بودجه مزمن و وابستگی بالا به درآمدهای نفتی به مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری اقتصاد ایران تبدیل شده‌اند. ویژگی‌هایی که چالش‌های بزرگی را پیش روی فعالان اقتصادی، سیاست‌گذاران و حتی خانوارها قرار داده‌اند. این اقتصاد، هرچند به‌واسطه پیوندهای عمیق سیاست و اقتصاد تا حدی به جزیره‌ای کم‌رقم و منزوی شباهت پیدا کرده اما واقعیت آن است که هیچ اقتصادی حتی منزوی‌ترین آنها نمی‌تواند در خلأ و جدا از تحولات جهانی نفس بکشد.

در چنین فضای، گزارش تازه بانک جهانی که در نخستین ماه سال ۲۰۲۶ میلادی منتشر شده، تصویری از اقتصاد جهانی ارائه می‌دهد که در نگاه اول شاید آرام‌تر از سال‌های پرالتهاب گذشته به نظر برسد. تورم جهانی در بسیاری از کشورها فروکش کرده و شوک‌های قیمتی ناشی از همه‌گیری کرونا و جنگ اوکراین تا حدی تخلیه شده‌اند اما این آرامش ظاهری به معنای بازگشت رونق نیست. اقتصاد جهانی به روایت این گزارش، همچنان ضعیف، شکننده و کند است. بانک جهانی در تازه‌ترین ارزیابی خود، رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۶ را تنها ۲.۶ درصد پیش‌بینی کرده است؛ نرخي که نسبت به رشد ۲.۷ درصدی سال ۲۰۲۵ کاهش نشان می‌دهد. شاید این افت یک‌دهم درصدی در نگاه نخست ناچیز به نظر برسد اما در مقیاس اقتصاد جهانی که با تریلیون‌ها دلار تولید و سرمایه سروکار دارد همین کاهش اندک می‌تواند، زنگ خطری جدی باشد. این ارقام نشان می‌دهند که موتورهای سنتی رشد اقتصادی جهان دیگر توان و شتاب گذشته را

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

سعید مسبوق

گروه اقتصاد

هیأت‌های مذاکره‌کننده ایران و ایالات متحده آمریکا احتمالاً در روزهای آینده گفت‌وگوهایی را برگزار خواهند کرد. در صورت آغاز این گفت‌وگوها، همانند دوره‌های پیشین، وزیر امور خارجه ایران و ویتکاف، نماینده ویژه دونالد ترامپ، مسئولیت مذاکرات را برعهده خواهند داشت و دیپلمات‌هایی همچون مجید تخت‌روانچی و کاظم غریب‌آبادی، عراقچی را در این روند همراهی خواهند کرد. برخی منابع با اشاره به سفر روز جمعه عراقچی به ترکیه و تلاش آنکارا برای میزبانی مذاکرات، این گمانه‌زنی را مطرح کرده‌اند که رایزنی‌ها ممکن است در ترکیه برگزار شود. در همین چارچوب احتمال حضور هاکان فیدان، وزیر امور خارجه ترکیه در این گفت‌وگوها نیز مطرح است. هم‌زمان درباره میزبانی مذاکرات، نام برخی دیگر از کشورهای

ندارند و اقتصاد جهانی وارد مرحله‌ای از فرسودگی ساختاری شده است. در دو دهه گذشته، اقتصاد جهان دو چهره کاملاً متفاوت از خود نشان داده است. دهه نخست، دهه رشدهای خیره‌کننده، گسترش تجارت آزاد، جهانی شدن و افزایش سریع سرمایه‌گذاری بود؛ دوره‌ای که اقتصادهای نوظهور، به‌ویژه چین، نقش پیش‌ران اصلی را ایفا می‌کردند. اما اکنون تصویر تغییر کرده است. جهان با پدیده‌هایی چون پیری جمعیت، اشباع بازارها، بدهی‌های سنگین دولت‌ها و پایان یافتن اثر محرک‌های مالی دوران پساکرونا روبه‌روست. نتیجه این تحولات، اقتصادی است که آهسته‌تر حرکت می‌کند و تاب‌آوری کمتری در برابر شوک‌ها دارد.



برای ایران، این‌کندی جهانی پیامدهای مستقیمی دارد. اقتصادی که ستون فقرات آن بر صادرات نفت، گاز و محصولات پتروشیمی است، بیش از بسیاری از کشورها به وضعیت تقاضای جهانی وابسته است. کاهش رشد جهانی به معنای کاهش رونق در بازارهای صادراتی، محدود شدن فرصت‌های فروش و افزایش رقابت میان صادرکنندگان انرژی خواهد بود. در چنین شرایطی، کشورهایی که دسترسی آزادتر به بازارها و شبکه‌های مالی دارند، دست بالا را خواهند داشت و اقتصادهایی مانند ایران با محدودیت‌های ساختاری و سیاسی بیش از پیش تحت فشار قرار می‌گیرند.

در این میان، وابستگی اقتصاد ایران و بسیاری از اقتصادهای نوظهور به چین به یکی از نقاط آسیب‌پذیر تبدیل شده است. طی سال‌های گذشته، رشد پرشتاب چین به موتور محرک تقاضا برای انرژی و مواد خام در جهان بدل شده بود و ایران نیز بخش مهمی از صادرات خود را بر این تقاضا استوار کرده بود. اما گزارش بانک جهانی، خبر ناخوشایند دیگری برای اقتصاد ایران به همراه دارد: کاهش محسوس سرعت رشد اقتصادی چین. پیش‌بینی رشد ۴.۴ درصدی برای چین در سال ۲۰۲۶ نشان‌دهنده نوعی تغییر پارادایم در اقتصاد این کشور است. چین اکنون با چالش‌های عمیق ساختاری دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ از بحران در بخش مسکن گرفته تا

پیری جمعیت و کاهش بهره‌وری. این تحولات، تقاضای این کشور برای انرژی و مواد خام را محدود کرده و پیامد آن، فشار بر بازارهای جهانی نفت و کالاهای پایه است. برای ایران، که در سال‌های اخیر بخش قابل توجهی از صادرات نفت و محصولات پتروشیمی خود را به چین هدایت کرده بود، این تغییر به معنای کاهش ظرفیت جذب بازار و افزایش ریسک‌های صادراتی است. عامل مهم دیگری که گزارش بانک جهانی بر آن تأکید می‌کند، چشم‌انداز قیمت نفت است. بر اساس این گزارش، قیمت متوسط نفت برنت در سال ۲۰۲۶ حدود ۶۰ دلار پیش‌بینی شده؛ قیمتی که نسبت به سال‌های قبل کاهش نشان می‌دهد و به گفته کارشناسان صرفاً یک

نوسان کوتاهمدت نیست. این کاهش، بخشی از یک روند بلندمدت اشباع بازار، افزایش عرضه و تغییر الگوی مصرف انرژی در جهان به شمار می‌رود. برای اقتصادی مانند ایران، که پیوندی تنگاتنگ با قیمت نفت دارد، نفت ارزان‌تر به معنای درآمد کمتر، محدودیت بیشتر در بودجه دولت و تشدید فشارهای انقباضی است.

در کنار این عوامل، تشدید تنش‌های تجاری و افزایش تعرفه‌ها نیز به‌عنوان یکی دیگر از ریسک‌های اصلی اقتصاد جهانی مطرح شده است. بانک جهانی هشدار می‌دهد که رشد تجارت جهانی در حال

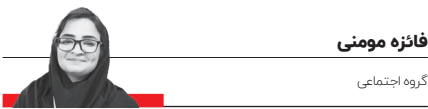
کاهش است و جهان به سمت شکل‌گیری بلوک‌های تجاری وفادار حرکت می‌کند؛ بلوک‌هایی که در آن، تجارت بیش از آنکه تابع منطق اقتصادی باشد، تابع ملاحظات سیاسی و ژئوپلیتیکی است. در چنین فضای، کشورهایی که متحدان استراتژیک قدرتمند بزرگ اقتصادی نیستند با هزینه‌های بالاتر و موانع بیشتری در مسیر تجارت مواجه خواهند شد. برای ایران، که سال‌هاست با محدودیت‌های ناشی از تحریم دست‌به‌گریبان است، سال ۲۰۲۶ نیز سالی دشوار در عرصه تجارت خارجی خواهد بود. تجارت آزاد بیش از پیش به تجارت سیاسی تبدیل می‌شود و ایران ناچار خواهد بود، تعاملات اقتصادی خود را بر پایه بده‌بستان‌های محدود و پرهزینه با شرکای خاص تنظیم کند. این شرایط، فضای مانور اقتصاد ایران را محدودتر کرده و ضرورت اصلاحات ساختاری و کاهش وابستگی به نفت را بیش از هر زمان دیگری برجسته می‌کند. در نهایت، سال ۲۰۲۶ برای اقتصاد ایران و بسیاری از کشورهای منطقه، نه سال سقوط آزاد است و نه سال جهش اقتصادی. این سال، دوره‌ای از سازگاری با واقعیت‌های جدید جهانی است؛ واقعیت‌هایی که از رشد کند، قیمت‌های پایین‌تر انرژی و تجاری سیاسی شده، حکایت دارند. عبور از این «سرمای تازه» نیازمند تصمیم‌های سخت، اصلاحات عمیق و نگاهی واقع‌بینانه به جایگاه ایران در اقتصاد جهانی خواهد بود.

احتمالاً با فشار کاهشی یا نوسانات محدود رو به پایین مواجه می‌شود هرچند سطح قیمت‌های جهانی می‌تواند، شدت این حرکت را تعدیل کند. در مقابل، بازار سهام معمولاً از چنین فضای متنافع می‌شود و می‌توان انتظار افزایش تقاضا و بهبود شاخص‌ها را داشت به‌خصوص در گروه‌هایی که از کاهش تحریم‌ها، تسهیل مبادلات خارجی و ثبات نرخ ارز سود می‌برند. هرچند رشد بورس احتمالاً تدریجی و همراه با احتیاط خواهد بود. در مجموع، اگرچه آغاز مذاکرات به‌تنهایی تضمین‌کننده تغییرات پایدار نیست اما در کوتاهمدت می‌تواند جو روانی بازارها را آرام‌تر کرده و نوسانات هیجانی را کاهش دهد، با این ملاحظه که هر خبر منفی یا توقف غیرمنتظره در روند گفت‌وگوها می‌تواند، مسیر بازارها را به سرعت تغییر دهد.

در صورت آغاز مذاکرات، بازار ارز بیش از سایر بازارها در معرض تغییر قرار دارد و معمولاً سریع‌ترین و پرنوسان‌ترین واکنش را نشان می‌دهد. دلیل اصلی آن وابستگی مستقیم نرخ ارز به انتظارات سیاسی، ریسک تحریم‌ها و چشم‌انداز روابط خارجی است؛ به‌محض انتشار اخبار مثبت از گفت‌وگوها، تقاضای احتیاطی کاهش می‌یابد و عرضه انتظاری افزایش پیدا می‌کند، موضوعی که می‌تواند نرخ‌ها را به‌سرعت جابه‌جا کند. پس از بازار ارز، بازار طلا و سکه قرار دارد که به‌طور غیرمستقیم و با فاصله کوتاه از ارز تأثیر می‌پذیرد و معمولاً واکنشی هم‌جهت اما ملایم‌تر نشان می‌دهد. بازار سهام نیز از نظر جهت‌گیری میان‌مدت متنافع می‌شود اما واکنش آن کندتر، انتخابی‌تر و وابسته به جزئیات و تداوم مذاکرات است.

اینترنت مهندسی شده

اینترنت کشور این‌روزها دچار اختلال نیست، بلکه ایران با الگوبرداری از مدل چین و روسیه و با کمک آنها، معماری جدیدی را برای فیلترینگ، نظارت و ردیابی کاربران شبکه‌های اجتماعی جهت کنترل فضای سایبری کشور آغاز کرده است



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

درحالی‌که کشور دوران پسا-اختلالات ۲۰ روزه دی ماه را سپری می‌کند، تحلیل‌های فنی و رصد‌های شبکه‌ای حکایت از واقعیتی هولناک‌تر از یک «قطعی موقت» دارند. برخلاف وعده‌های خوش‌بینانه بهار ۱۴۰۳ و شعارهای انتخاباتی مبنی بر گشایش فضای مجازی، آنچه امروز در رگ‌های فیبر نوری کشور جریان دارد، نه اینترنت آزاد جهانی بلکه یک «معماری نوین حکمرانی» است که با دقت مهندسی شده تا کنترل را از لایه سرویس به لایه پروتکل منتقل کند. مشاهدات فنی نشان می‌دهد که برخلاف تصور عمومی، قطعی‌های اخیر نه یک «خرابی» ناشی از حوادث بلکه «مانور عملیاتی» برای استقرار نسخه نهایی شبکه ملی اطلاعات بوده است؛ شبکه‌ای که در آن «اتصال» به‌معنای «دسترسی» نیست و مرز میان فضای مجازی و واقعیت فیزیکی تحت نظارت سیستم‌های بازرسی عمیق بسته‌ها (DPI) بیش از هر زمان دیگری صلب و نفوذناپذیر شده است.

استحاله پروتکل‌ها؛ جراحی پنهان در قلب شبکه

در معماری جدیدی که از اواسط دی‌ماه تثبیت شده، استراتژی فیلترینگ از «مسدودسازی آی‌پی» به «تخریب پروتکل» تغییر فاز داده است. شاخص‌ترین قربانی این جراحی فنی، پروتکل QUIC است؛ شواهد مدرن و رمزنگاری شده‌ای که سرویس‌های حیاتی همچون گوگل و یوتیوب بر بستر آن اجرا می‌شوند. داده‌های شبکه ملی نشان می‌دهند که سهم این پروتکل در ترافیک کاربران ایرانی از

دیدگاه: یادداشت اجتماعی

محله؛ دریچه‌ای به زیست‌بوم حکمرانی آینده

چگونه توسعه از پایین به بالا ساخته می‌شود؟

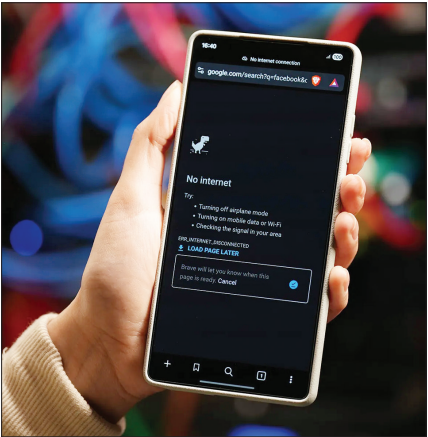


محمدهادی عسکری

سرپرست معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت کار

«محله»، مفهومی فراتر از یک محدوده مکانی بر نقشه شهر است؛ کانونی است زنده، پویا و حکمران که نه‌تنها زیست‌گاه که «زیست‌سامانه» پیچیده‌ای از روابط، خاطرات، فرهنگ‌ها و معیشت‌هاست. در این زیست‌بوم، حل مسئله و ساختن آینده، نه از بالا که از دل همین بستر چندصدایی و چندوجهی می‌رود. آنچه امروز در «محله‌محوری» به‌عنوان گفتمان محوری دنبال می‌شود صرفاً انتقال مکان خدمت نیست؛ بلکه تحولی بنیادین در «نظام حکمرانی» و «میدان عمل اجتماعی» است. این رویکرد عینیت بخشیدن به مفهومی است که در ادبیات توسعه جهانی از آن با عنوان «توسعه اجتماع‌محور» یاد می‌شود؛ که براساس آن جوامع محلی، هنگامی که امکان و منابع بیابند، بهترین مرجیان شناسایی اولویت‌ها و حل چالش‌های خود هستند. در این چارچوب، دولت نه مجری که «تسهیل‌گر»، نه فرمانده که «هم‌پیمان» و نه ناظر از دور که «شریک در میدان» است.

تمرکززدایی صرف اداری و مالی، اگرچه گامی ضروری است لزوماً به حکمرانی مطلوب منجر نمی‌شود. خطر اصلی در این مسیر، بازتولید همان ساختارهای کوچک‌تر است. «حکمرانی چندمحوری» که در پشتوانه نظری طرح سلامت اجتماعی محله‌محور بر آن تأکید شده، پاسخی به این نقیصه است. این الگو به رسمیت شناختن هم‌زمان کانون‌های متعدد تصمیم‌گیری، اقتدار و ابتکار عمل در درون خود محله است و محله میدانی مشارکتی میان نهادهای رسمی محلی (شورا، شهرداری ناحیه)، سرمایه اجتماعی سازمان‌یافته (مساجد، هیأت‌های مذهبی، انجمن‌های خیریه، تعاونی‌های محلی) و شبکه‌های رسمی و غیررسمی فعال (گروه‌های همیاران سلامت روان، پیشکسوتان، گروه‌های همیار زنان، معتمدین



برخوردارند و توده مردم در وضعیت ناپایدار مزمن رها شده‌اند. این همان نقطه تلاقی تکنولوژی و کنترل است که در آن «اینترنت» به جای پنجره‌ای رو به جهان به دیواری هوشمند و متحرک تبدیل می‌شود.

حضور پر قدرت متخصصان داخلی برای فیلترینگ نوین

در ا‌ین باره با مجید مقدری، رئیس مرکز فناوری‌های هوشمند گفت‌وگو کردیم. او توضیح می‌دهد: معمولاً اشتباهی که کاربران انجام می‌دادند این بود که با آی‌پی‌های شناسایی شده وارد پیام‌رسان‌ها و سایت‌های داخلی می‌شدند؛ در نتیجه، وی‌بی‌ان‌ها و آی‌پی‌ها شناسایی و مسدود می‌شد. بارها تلاش شد آن هدرها یا سر بسته‌هایی که وی‌بی‌ان‌ها از آن عبور می‌کنند، خوانده شود؛ برای همین با مدل‌ها و روش‌های مختلف، رمزنگاری‌هایی انجام دادند تا قابل خواندن نباشد و در بسیاری موارد هم موفق بودند. این کارشناس حوزه فناوری اطلاعات تأکید می‌کنند: متخصصان فناوری اطلاعات دقیقاً روی همین مسئله کار می‌کردند. حدود دو سال پیش، تعدادی از آنها بازداشت شدند چون موفق شده بودند، رمزنگاری سر بسته‌های فیلترینگ و سامانه‌های مسدودسازی را بشکنند و از کار بیندازند. اما اکنون بحث، اینترنت ملی یا شبکه داخلی مجزا از اینترنت جهانی نیست؛ بلکه ما درباره تشدید بسیار شدید فیلترینگ صحبت می‌کنیم. فیلترینگ وجود دارد و وضعیت سایت‌ها از دیروز تا امروز هم به‌شدت تشدید شده و به‌نظر می‌رسد در مواردی هم موفقیت‌آمیز بوده است. اواضافه می‌کنند: طبق آنچه من خوانده و شنیده‌ام، سیستمی که در حال اجراست حتی از آنچه در چین انجام می‌شود شدیدتر است. متخصصان گفته‌اند این نسخه‌ای ارتقا یافته از مدل‌های مورد استفاده در چین است. به هر حال باید گفت دست متخصصان دانشگاه‌ای

کرامت و عاملیت است. این رویکرد باورمند است که راحل مشکلات مردم در مشارکت و خرد جمعی خود آنان نهفته است. با اعتماد به مردم و سپردن ابتکار عمل به آنها صرفاً زیرساخت فیزیکی ساخته نمی‌شود بلکه «سرمایه اجتماعی»، شبکه‌ای از اعتماد، همکاری و هنجارهای مشترک که گرنهاترین پشتوانه توسعه است، ساخته می‌شوند. در این فضا، خرده‌فرهنگ‌های اصیل محلی که اغلب حامل ارزش‌های همیاری، احترام به بزرگان و پاسداشت محیط زندگی هستند، مجال بازتولید و نو شدن می‌یابند. این ارزش‌های اخلاق‌محور، سیمان انسجام درونی محله و بهترین ضامن پایداری هر طرح توسعه‌ای هستند. تصویر انسان در چنین محله‌ای، نه تصویری بی‌تفاوت که تصویر شهروندی مسئول، خلاق و توانمند است که در ساختن زندگی فردی و جمعی خود سهیم است. به واقع محله کوچک‌ترین واحد برنامه‌ریزی شهری است که بخش‌های گوناگون حکمرانی، نمود اقدامات عملیاتی و سیاست‌گذاری‌های خود را در آن به‌صورت عینی و ملموس مشاهده می‌کنند. شناسایی افراد اثرگذار و خبگان محلی، تفکیک و تقسیم وظایف، خردگرایی به‌جای کل‌گرایی، نهادینگی و بسترسازی، اعتمادسازی و اعتقادسازی، تمهیدات زیرساختی و روساختی مشارکت، مشارکت تصمیم‌ساز و انسجام عملکردی از مهم‌ترین راهبردهای تقویت مشارکت اجتماعی از طریق محله‌محوری است که نتایج و پیامدهای بسیار را در پی دارد.

مسیر محله‌محوری، مسیری آسان و سریع نیست. مسیری پرچالش و نیازمند صبر، یادگیری و اصلاح مستمر است. اما این مسیر، تنها راه پایدار برای مواجهه با پیچیدگی‌های جهان امروز و تحقق «عدالت» به‌معنای واقعی کلمه است؛ این مسیر، تمرینی بزرگ برای حکمرانی مردم پایه است و در این راه باید همراه و همگام با مردم با تواضع و با اتکا به خرد جمعی جوامع محلی حرکت کرد؛ چراکه باور داریم، آینده روشن و مبتنی بر مشارکت مردم در سپهر پویا و زنده محله ساخته می‌شود.

برتر کشور درد نکند که چنین فناوری و چنین سیستمی را طراحی کرده‌اند. اما برای روزهای آینده پیش‌بینی خوبی نمی‌شود؛ اختلال‌ها و مسدودی‌ها بیشتر شده و عملاً دسترسی‌ها بسیار محدودتر می‌شود. به‌نظر می‌رسد ما وارد یک سیستم نوین فیلترینگ شده‌ایم. به گفته او؛ در سال‌های گذشته، قوانین مختلفی درباره خرید و فروش وی‌بی‌ان و فیلترشکن مطرح شد اما با وی‌بی‌ان‌های رایگان یا دانلودی نمی‌شد، برخورد جدی کرد. طبق قانون، استفاده از فیلترشکن و ورود به پلتفرم‌های فیلترشده جرم محسوب نمی‌شد؛ بنابراین امکان برخورد قانونی با کسانی که برای استفاده شخصی فیلترشکن به کار می‌بردند، وجود نداشت. به همین دلیل ناچار شدند، پروتکل‌ها را دستکاری کنند. مقدری تأکید می‌کند: در مقطعی، بحث آزادسازی پلتفرم‌های فیلترشده مطرح بود و قرار بود این فضاها باز شوند؛ بنابراین حساسیت چندانی روی وی‌بی‌ان‌ها اعمال نمی‌شد. اما حادثه‌ای که رخ داد، باعث شد بحث آزادسازی کاملاً به حاشیه برود و به‌جای آن تشدید فیلترینگ در دستورکار قرار گیرد. در این شرایط، مهم‌ترین مسئله این است که وی‌بی‌ان‌ها مسدود شوند؛ زیرا تا زمانی که وی‌بی‌ان‌ها فعال باشند عملاً هیچ کنترلی بر شبکه‌های مجازی امکان‌پذیر نیست. این کارشناس با بیان اینکه تمام توان روی مسدودسازی وی‌بی‌ان‌ها متمرکز شده است، اضافه می‌کند: سرمایه‌گذاری زیادی در این زمینه انجام شده و روی شناسایی هدرهای بسته‌ها کار شده است. معمولاً ۸ بسته اولی که ارسال می‌شود شامل اطلاعات اولیه ارتباط است که قبلاً رمزنگاری نمی‌شد و قابل خواندن نبود؛ به همین دلیل امکان شنود وی‌بی‌ان‌ها وجود نداشت. اما آنچه امروز گفته می‌شود این است که در این زمینه به موفقیت‌هایی دست یافته‌اند. او توضیح می‌دهد: اگر می‌گفتند این فناوری در کشور دیگری اجرا شده شاید باورپذیرتر بود؛ اما حالا می‌گویند، متخصصان داخلی توانسته‌اند راه‌حل‌هایی برای این مدل ارتباطی پیدا کنند. طی همین مدت بر اساس آماری که داریم، فکر می‌کنم چهار یا پنج نفر از متخصصان امنیت فناوری اطلاعات بازداشت شده‌اند. دلایل بازداشت آنها هنوز به‌طور رسمی مشخص نیست. این کارشناس در پاسخ به این به پرسش که آیا این پروژه فقط با کمک کارشناسان چینی و روسی انجام شده یا دانشمندان داخلی خودمان هم سهم بزرگی در آن داشته‌اند؟ اضافه می‌کند: واقعیت این است که متخصصان داخلی نقش مهمی داشته‌اند. این یک جنگ و گریز دائمی است: شبکه‌ها فیلتر می‌شوند، مسدود می‌شوند، بعد متخصصان راهکار جدیدی پیدا می‌کنند، رمزنگاری را تغییر می‌دهند و مدل ارتباطی را عوض می‌کنند. شرکت‌های داخلی‌ای وجود دارند که مسئولیت فیلترینگ را برعهده دارند و نقش مهمی در ارتقای سیستم‌های فیلترینگ کشور ایفا می‌کنند و در نهایت در شکل‌دهی به سامانه‌های فیلترینگ داخلی نقش تعیین‌کننده دارند.

جامعه

اشکالات فهرست جان‌باختگان

موج تازه‌ای از پرسش‌ها درباره دقت آمار

انتشار فهرست نزدیک به سه هزار نفر از جان‌باختگان اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ از سوی دفتر ریاست‌جمهوری، قرار بود گامی در مسیر شفاف‌سازی باشد؛ اما خیلی زود به موضوعی مناقشه‌برانگیز تبدیل شد. گزارش‌ها از وجود نام‌های تکراری، خطاهای فنی و مواردی با مشخصات ناقص حکایت دارد. به گفته منابع رسمی در نسخه اولیه دست‌کم چند ده مورد تکراری دیده شده و ده‌ها پرونده به دلیل ابهام در شناسه‌ها فعلاً کنار گذاشته شده‌اند. دولت علت این ناهماهنگی‌ها را شتاب در انتشار و جمعیت داده‌ها از منابع مختلف عنوان کرده است. با این حال، مسئله فقط خطای آماری نیست. پرسش اصلی این است که دولت با چه معیارهایی «کشته‌شدگان مرتبط با رخدادها» را شناسایی کرده و چه سازوکاری برای اصلاح، اعتراض خانواده‌ها و تکمیل اطلاعات در نظر گرفته است. انتشار اسامی همراه با کد ملی، اگرچه می‌تواند نظم آماری ایجاد کند اما بدون توضیح روشن درباره روش شناسی، خطر تبدیل شدن به ابزاری برای تثبیت روایت رسمی را دارد. هم‌زمان اعلام تشکیل «کمیته حقیقت‌یاب» نیز با استقبال محتاطانه و تردید گسترده روبه‌رو شده است. تا این لحظه، نه ترکیب اعضا روشن است، نه حدود اختیارات و نه نسبت این کمیته با دولت مستقر. حقیقت‌یابی در رخداد‌های پرتش اجتماعی، بیش از هر چیز به استقلال نهادی، دسترسی به اسناد و امکان گفت‌وگو با شاهدان نیاز دارد. کمیته‌ای که از دل همان ساختاری بیرون بیاید که خود در معرض پرسش است از ابتدا با بحران اعتماد مواجه خواهد بود. تجربه‌های گذشته در ایران نیز امیدواری را محدود کرده است. در معدود مواردی گزارش‌هایی مستقل منتشر شد اما در بسیاری از بحران‌ها یا گزارشی نیامد یا خروجی‌ها آقندر کلی و محافظه‌کارانه بود که افکار عمومی را ا قناع نکرد. از همین‌رو، جامعه امروز با شنیدن نام «حقیقت‌یاب» بیش از آنکه امیدوار شود، منتظر جزئیات می‌ماند. اگر دولت واقعاً قصد ترمیم شکاف اعتماد را دارد باید از همین نقطه شروع کند.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاست‌گذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقتناعی

مدیر هنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروف‌چین: سحر خسروجردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گزارش ویژه

پایداری کامل گاز خانگی در مازندران

ساری - دهقان: مدیرعامل شرکت گاز استان مازندران گفت: همراهی مردم در مصرف بهینه و اصولی گاز، مهم‌ترین عامل حفظ پایداری شبکه و تأمین آرامش خانوارها در روزهای سرد سال است.

به گزارش خبرنگار مازندران به نقل روابط عمومی شرکت گاز استان مازندران، هزیر جوادی، مدیرعامل این شرکت در گفت‌وگوی تلفنی با برنامه رادیویی «پیام مازندران» با اشاره به افزایش مصرف گاز در روزهای سرد سال اظهار کرد: در چهار روز گذشته، مصرف گاز استان به حدود ۳۶ میلیون مترمکعب رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشته است.

وی با بیان اینکه خط قرمز شرکت گاز، حفظ پایداری گاز بخش خانگی است، افزود: در صورت بروز شرایط بحرانی، اولویت اصلی ما تأمین گاز خانوارهاست و در همین راستا، پایش مستمر مصرف در بخش‌های مختلف از جمله صنایع، ادارات و اماکن پرمصرف انجام می‌شود.

جوادی از شناسایی بیش از ۲۱۰ ویلای خالی از سکنه با مصرف بالای گاز خبر داد و گفت: متأسفانه در برخی ویلاها با وجود عدم سکونت، وسایل گرمایشی روشن است که منجر به هدررفت انرژی می‌شود. در این موارد، پس از اخطار، گاز این اماکن قطع شده است. همچنین استفاده از وسایل گرمایشی در فضاهای باز برخی واحدهای صنعتی شناسایی و با آن برخورد قانونی شده است.

مدیرعامل شرکت گاز مازندران با اشاره به نظارت جدی بر مصرف ادارات بیان کرد: تمامی ادارات موظف به رعایت دمای ۱۸ درجه سانتی‌گراد و کاهش حداقل ۲۰ درصدی مصرف نسبت به سال ۱۴۰۱ هستند. در موارد محدودی که این دستورالعمل رعایت نشده حتی گاز برخی دستگاه‌های اجرایی قطع شده است.

وی با دعوت از مشترکان برای ثبت‌نام در سامانه «نبض انرژی» خاطرنشان کرد: مشارکت در این سامانه علاوه بر بهرهمندی از جوایز، موجب کاهش هزینه گازبها می‌شود.

آگهی ابلاغ

مدیریت محترم شرکت ره فراز جابود
به استحضار می‌رساند مشاغل درخواستی آقای علی حیاتی در کمیته بدوی مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۱ مشاغل سخت و زیان آور مطرح و مورد تأیید قرار گرفته است.
«مقتضی است به استناد مواد ۳ و ۶ آیین نامه اجرایی مشاغل سخت و زیان آور طی مدت ۲ سال نسبت به ایمن سازی و بهسازی محیط کار اقدام فرمائید.
«رای کمیته بدوی حداکثر ظرف ۱۵ روز اداری پس از ابلاغ در قالب فرم شماره (۴) قابل تجدید نظر خواهی در کمیته تجدید نظر این استان می‌باشد و در غیر این صورت رای صادره برای اشخاص داخل کشور سه ماه و برای افراد مقیم خارج کشور، شش ماه از تاریخ ابلاغ رای، مطابق قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، در دیوان عدالت اداری قابل اعتراض است. / ۷۹۱۱
هوشیار جوهری - رئیس کمیته بدوی بررسی مشاغل سخت و زیان آور استان کرمانشاه

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرائی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۳۱۲۰۰۸۰۵۶۴۷ مورخ ۱۴۰۴/۹/۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان اق قلا پرونده کلاسه ۱۷۰۰۸۰۰۰۱۱۷ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۴۱ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی خانم خدیجه بی بی اوتق فرزند بیرام دردی به شماره شناسنامه و کد ملی ۴۹۷۹۵۳۲۹۷۵۰ صادره اق قلا در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۱۹۷ متر مربع ، مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۳ -اصلی واقع در اق قلا-اراضی قریه کسلخه- بخش ۷ حوزه ثبتی ملک شهرستان اق قلا تأیید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م الف: ۱۸۵

تاریخ انتشار نوبت اول: روز دو شنبه ۱۴۰۴/۱۰/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم روز سه شنبه ۱۴۰۴/۱۱/۱۴
مهاجر جهانفر
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اق قلا

شناسه آگهی ۲۱۱۰۴۹۶

«آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره ۴۰۴۱۱۳»



وزارت نیرو
شرکت تولید نیروی برق خراسان

شرکت تولید نیروی برق خراسان در نظر دارد «پایاده سازی سامانه حفاظت الکترونیک سیکل ترکیبی شهید کاوه» را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، جهت ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی در سامانه اقدام نمایند.

ردیف	موضوع مناقصه	محل پروژه	مبلغ تضمین (ریال)	محل تأمین اعتبار
۱	پایاده سازی سامانه حفاظت الکترونیک نیروگاه سیکل ترکیبی شهید کاوه	استان خراسان جنوبی	۱۴,۷۷۷,۵۶۷,۹۰۰	منابع داخلی (غیر عمرانی)

«تاریخ عرضه الکترونیکی اسناد از طریق سامانه ستاد: از ساعت ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۳ الی ساعت ۱۲ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸

«تاریخ بارگذاری الکترونیکی اسناد در سامانه ستاد: حداکثر تا ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۳

«تاریخ گشایش پاکت ها: ساعت ۱۰:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۴

مناقصه گران علاوه بر بارگذاری اسناد در سامانه الکترونیکی دولت باید اصل ضمانت نامه شرکت در فرایند ارجاع کار و اصل فیش واریزی را در موعد مقرر به شرح اسناد مناقصه به امور تدارکات شرکت تحویل نموده و رسید دریافت نمایند.

«محل تحویل اسناد و گشایش پاکتها:

مشهد، بلوار شهید فکوری – فکوری ۱۷ – پلاک ۱۷ واحد ۵ – کد پستی ۹۱۷۸۱۸۵۷۹۴- امور تدارکات شرکت تولید نیروی برق خراسان- تلفن ۰۵۱۳۸۶۷۹۹۹۱-۳
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ی ۰۵۱۳۸۶۷۹۹۹۱ دفتر فنی تولید تماس گرفته و یا به پایگاه های اطلاع رسانی به آدرس ذیل مراجعه نمایند:

پایگاه اطلاع رسانی معاملات شرکت مادر تخصصی تولید نیروی برق حرارتی	http://namaniroo.tpph.ir
پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات	http://iets.mporg.ir
سامانه تدارکات الکترونیکی دولت	http://setadiran.ir

امور تدارکات شرکت تولید نیروی برق خراسان

شناسه آگهی ۲۱۰۹۶۰۵

نوبت دوم



شرکت برق منطقه ای مازندران و گلستان

شرکت برق منطقه ای مازندران در نظر دارد افزایش ظرفیت ایستگاه آمل از ۳۰*۳۰ به ۶۰*۳۰ مگاوات آمپر را برابر شرایط ذیل و بشرح مشخصات و اطلاعات مندرج در اسناد مناقصه به مناقصه گر واجد شرایط واگذار نماید. لازم به ذکر است کلیه فرآیندهای برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد و همچنین گشایش پاکت، مطابق فرآیند تعریف شده در بستر سامانه تدارکات الکترونیک دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

الزامات مورد نیاز	داشتن حداقل رتبه ۵ در رشته نیرو از «سازمان برنامه و بودجه» الزامی میباشد.
مبلغ ضمانتنامه	۱۵,۴۲۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال بحروف «پانزده میلیارد و چهارصد و سی و پنج میلیون ریال تمام» (شرکت در فرآیند ارجاع کار)
نوع ضمانتنامه	تضمین های معتبر (شامل فیش واریزی/وجه نقد)، ضمانتنامه بانکی (....) مطابق آیین نامه تضمین دولتی مصوبه هیأت وزیران بشماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۰۵۶۵۹۹-هـ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲ و اصلاحیه های بعدی آن (مندرج در اسناد مناقصه).
محل دریافت و ارسال اسناد:	سامانه «تدارکات الکترونیک دولت (ستاد)» به آدرس www.setadiran.ir
زمان دریافت اسناد:	از ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۲ الی ساعت ۱۹ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۶.
مهلت ارسال پیشنهاد	تا ساعت ۱۵:۳۵ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۳.
زمان گشایش پاکت:	ساعت ۰۸:۳۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۵.
قیمت پایه مناقصه:	۳۰۸,۶۹۴,۹۷۵,۴۵۳ ریال بحروف «سیصد و هشت میلیارد و ششصد و نود و چهار میلیون و نهصد و هفتاد و پنج هزار و چهار صد و پنجاه و سه ریال تمام» (بر اساس فهرست بهاء ۱۴۰۴)

به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده های مخدوش، سپرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن که مغایر با آیین نامه مذکور باشد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
همچنین به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر در اسناد واصل شوند مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد. سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج میباشد.
مراتب در سایت معاملات توابیر به آدرس <https://wamp.tavanir.org.ir/tender/main> صرفاً جهت اطلاع رسانی درج گردیده است.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴

روابط عمومی شرکت برق منطقه ای مازندران و گلستان

شناسه آگهی ۲۱۱۰۰۰۱

نوبت دوم



شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان مازندران

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی تجدید مناقصه عمومی (دو مرحله ای) مناقصه شماره ۱۳۵۱۵۰

اصلاحات بعد از آن در خصوص کارهای پیمانکاری یا واریز وجه نقدی به شماره حساب بانک مرکزی (IRY۱۰۱۰۰۰۴۰۰۱۱۰۲۶۰۳۷۳۵۸۸۳) واریز گردد .
۴- زمان مهلت دریافت اسناد: از یکشنبه ۱۴۰۴/۱۲/۱۶ الی چهارشنبه ۱۴۰۴/۱۲/۱۹ ساعت ۱۰:۰۰

۵- زمان عودت پیشنهاد مالی: شنبه ۱۴۰۵/۱۱/۱۵ ساعت ۱۰:۰۰ صبح (ضمناً اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار تا پایان بازه زمانی با نامه رسمی ثبت و تحویل دبیرخانه کمیسیون مناقصات اتاق ۳۱۳ گردد)

۶- زمان گشایش پیشنهادات: سه شنبه ۱۴۰۵/۱۱/۱۸ (ساعت ۹ صبح)
ضمناً: هرگونه تغییر در زمان های یاد شده از طریق سامانه اعلام می گردد.

۷- شرایط متقاضی:

- مدارک ثبتی شرکت حاوی تصاویر مصدق (رتبه، کد پستی، شناسه ملی، کد اقتصادی، دامنه کاری، تطابق امضاء، ضمانتنامه بانکی، صورت مالی حسابرسی شده منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۲۹ با توجه به الزام ارائه صورتهای مالی و حسابرسی شده بارعایت ماده ۴ آیین نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی، تمهیدنامه رعایت مبارزه با پولشویی، اساسنامه، آخرین تغییرات اساسنامه، صورتجلسه مجمع عمومی، فرم خود اظهاری، مهر و امضاء پکیج پیمان، کپی شناسنامه و کارت ملی صاحبان امضاء، مشخصات اعضاء هیات مدیره و سهام داران بالای ۱۰٪، حسابرسان و نشانی اقامتگاه آنان و تکمیل فرم پولشویی ارسالی، گواهینامه مالیات بر ارزش افزوده،
- دارای گواهی افتا و گواهی از شورای انفورماتیک در حیطه تولید کنندگان و تامین کنندگان کامپیوتر با ظرفیت آزاد و مجاز
- تضمین کیفیت خدمات پس از فروش محصولات (وارانتی)
- نظام کیفیت و نحوه تضمین محصولات (گارانتی)
- ثبت نام و اخذ کد اطلاع رسانی پایگاه ملی مناقصات با مراجعه به سایت <http://iets.mporg.ir>
- «حداقل نصاب پیشنهاد دهنده در این مناقصه به تعداد هر مناقصه گر می باشد».

- ملاک تعیین تعداد مناقصه گر، بعد از تأیید صحیح بودن محتویات پاکت (الف) می باشد.
جهت کسب اطلاعات بیشتر در سایت شرکت گاز استان مازندران به آدرس www.nige-mazandaran.ir و پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات کشور به آدرس <http://iets.mporg.ir> مراجعه نمایید.

شرکت گاز استان مازندران در نظر دارد از طریق فراخوان ارزیابی کیفی نسبت به شناسایی شرکت‌های دارای رزومه کاری مناسب جهت مناقصات ذیل اقدام نماید. بدینوسیله از کلیه شرکت‌های واجد شرایط که مایل به شرکت در این ارزیابی هستند دعوت می‌گردد از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۱۸ ساعت ۱۰:۰۰ الی ۱۴۰۴/۱۱/۲۱ ساعت ۱۴:۰۰ اسناد ارزیابی را از سامانه WWW.SETADIRAN.IR دریافت نمایند و تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ ساعت ۱۴:۰۰ اسناد فوق را از طریق سامانه ارسال نمایند. بدیهی است شرکت گاز استان مازندران پس از بررسی اسناد و مدارک واصله و اطلاعات مندرج در پرسشنامه در چارچوب ضوابط و مقررات نسبت به ارزیابی کیفی شرکت کنندگان اقدام و از شرکت‌های واجد شرایط جهت دریافت اسناد مناقصه از طریق سامانه فوق دعوت بعمل خواهد آورد تا ارائه مدارک و پرسشنامه های تکمیل شده در سایت هیچگونه حقی را برای متقاضیان جهت شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد. خواهشمند است آدرس، کدپستی و تلفن به وضوح مشخص گردد. در صورت عدم پاسخگویی یا خرابی فکس مسئولیت آن برعهده مناقصه گر می‌باشد.

آدرس امور کالا: ساری – بلوار طالقانی شرکت گاز استان مازندران ساختمان شماره ۲ طبقه همکف ۰۱۱-۳۳۲۰۴۰۹۱-۳۳۴۹۲۳۵۲

آدرس کمیته فنی – بازرگانی: ساری – بلوار طالقانی شرکت گاز استان مازندران ۰۱۱-۳۳۲۰۴۰۸

عنوان و مشخصات کلی پروژه ها:

ردیف	موضوع: مناقصه خرید	تعداد	شماره فراخوان سامانه ستاد	مبلغ تضمین (بسه ریال)	مبلغ برآورد (بسه ریال)	حداقل امتیاز کیفی
۱	تجهیزات کامپیوتری (کامپیستگاه کامپیوتر و...)	۵۸۰	۲۰۰۴۹۱۵۷۸۰۰۰۲۶۶	۵/۲۲۲/۵۰/۰۰۰	۱۰۸/۴۵/۰۰۰/۰۰۰	۶۵

۱- محل تأمین اعتبار: منابع داخلی

۲- مدت اعتبار پیشنهادها: سه ماه می‌باشد و این مدت حداکثر برای یک بار قابل تمدید می‌باشد.

۳- نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ضمانتنامه بانکی معتبر براساس آیین نامه تضمین معاملات دولتی مصوبه هیات وزیران به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۰۵۶۵۹-هـ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲ و

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۱/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴

روابط عمومی شرکت گاز استان مازندران